



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

موضوع

مکر و آثار آن از دیدگاه آیات و روایات

استاد راهنما

سرکار خانم طائی

استاد داور

آقای برقی کار

پژوهشگر

صدیقه جهرمی نسب

بهار ۱۳۹۴

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع :

که توسط پژوهشگر محترم سرکار خانم: صدیقه جهرمی نسب

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است ، توسط هیأت داوران مورد

ارزیابی قرار گرفته و در تاریخ / / ۱۳۹ ، با کسب رتبه
.....

پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم طائبی

استاد داور:

مدرسه علمیه:

امضاء مدیر ومهر مدرسه



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

موضوع

مکر و آثار آن از دیدگاه آیات و روایات

استاد راهنما

سرکار خانم طائی

استاد داور

آقای برقی کار

پژوهشگر

صدیقه جهرمی نسب

بهار ۱۳۹۴

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خداوند متعال را که با لطف و عنایت او توانستم این تحقیق را به پایان برسانم و همچنین کمال سپاس قدردانی از همسر خود می نمایم که در تمام مراحل این تحقیق با من یار و همراه بودند و نیز استاد ارجمند سرکار خانم طائی که برای به پایان رساندن این تحقیق کمک های فراوانی را به من مرحمت نموده اند و همچنین از معاونت پژوهش خانم زمانی به خاطر زحماتشان تقدیر و تشکر می نمایم. و برای آن ها از خداوند اجر و پاداش فراوانی را خواهانم.

تقدیم

- به سرورمان امام زمان (عجل الله تعالی و فرجه الشریف) مصلح جهان، مهدی موعود (عجل الله

تعالی و فرجه الشریف) که با ظهورش ریشه ی کفر و پوچی را خشک خواهد کرد و عدالت را با امامت ایشان در سراسر جهان هستی، مستقر می شود.

- و تقدیم به کسی که فرمود: زن و فرزندم را به قربانگاه کربلا می برم تا به امر به معروف و نهی از منکر دین را زنده کنم.

- به ابوذر هایی که به خاطر نهی از منکر تبعید شدند و در غربت ربذه جان دادند.

- و به همه ی کسانی که در راه گسترش معروف ها و مبارزه با منکر ها جان دادند؛ مال دادند؛ زندان و شکنجه و تبعید کشیدند و صبر کردند و تقدیم به همه ی شهیدانی که با عمل و خون خود مردم را از گمراهی نجات دادند.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی مکر در آیات و روایات به نگارش درآمده است. می توان مکر را به دو قسم مکر الهی و مکر بشری تقسیم کرد. انتساب مکر به خداوند با توجه به این نکته که از خدای تبارک هیچ فعل مذمومی سر نمی زند، به صورت مجازی می باشد.

به کارگیری مکر خدا در برابر مکر دیگران اشاره به برتر و قدرتمندتر بودن خداوند نسبت به دیگران است که به بدکاران نتیجه مکرشان را می چشاند، نه این که معنای واقعی مکر اراده شده باشد. و مکر بشری علاوه براینکه یک رذیله بزرگ و خطرناک است، آثار مهم و اساسی بر جا می گذارد. این روحیه اگر در منش انسانی ظهور یابد، آدمی را به دام افراط گرایی می کشاند و اجازه رشد و بالندگی را از وی سلب می کند. پس دوری از آن را باید یکی از موضوعات اخلاقی و کلیدی دانست. پس ضروری است تا حقیقت مکر، مصادیق، آثار آن شناخته شود تا انسان آشنا شود که چگونه از رذیله مکر در امان باشد یا آن را درمان کند، زیرا اگر وجود انسان این رذیله باشد به درجات عالی به کمال نائل نمی شود. بنابراین پژوهش حاضر به رویکرد کلام الهی و معصومین (علیهم السلام) نسبت به مکر چگونه است؟ می پردازد. مکر به معنای جستن راههای پنهان برای اذیت رساندن به مردمان است؛ لذا رذیله ای از رذائل قوهی عاقله است و جزء مهلکات بزرگ و زشت ترین رذائل به حساب می آید که گناه شدید و بزرگی به شمار می رود.

بنابراین با تحقیق و تفحص در کتب معتبر مشخص می شود که مکر آثار گسترده ای در روحيات و رفتار انسان به جای می گذارد که این پیامدها شامل پیامدهای دنیوی و پیامدهای اخروی از جمله شکست مکاران در حيله و مکرشان، بازگشت مکر و حقه به مکاران، خواری و ذلت مکاران، هلاکت مکاران، گرفتار شدن مکاران در قهر و عذاب الهی باشد. سنت استدراج، سنت امهال، سنت واگذاری به خویشان و سنت تزیین از جمله سنت هایی است که می تواند مصداق های مکر الهی قرار گیرند.

کلید واژه: خدعه، غدر، مکر بشری، مکر الهی.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

مقدمه ۱

بخش اول: کلیات و مفاهیم

فصل اول: کلیات تحقیق

۱,۱. تعریف و تبیین موضوع ۵

۱,۲. اهمیت و ضرورت تحقیق ۵

۱,۳. اهداف و فواید تحقیق ۶

۱,۴. پیشینه موضوع تحقیق ۶

۱,۵. سوالات تحقیق ۶

۱,۶. فرضیه تحقیق ۷

۱,۷. روش تحقیق ۷

۱,۸. ساختار تحقیق ۷

۱,۹. کلید واژه ها ۸

۱,۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق ۸

فصل دوم: مفهوم شناسی

- ۲,۱. مفهوم شناسی واژه «مکر» ۱۰
- ۲,۱,۱. معنای لغوی واژه مکر ۱۰
- ۲,۱,۲. معنای اصطلاحی واژه مکر ۱۱
- ۲,۲. واژگان مرتبط با مکر ۱۲
- ۲,۳. رابطه واژه مکر با کید و خدعه ۱۶
- ۲,۴. تفاوت خدعه و غدر ۱۷

بخش دوم: مکر، مصادیق و پیامدهای آن

فصل اول: چیستی مکر

- ۱,۱. اقسام مکر و خدعه ۲۱
- ۱,۲. مکر در آیات و روایات ۲۲
- ۱,۳. مکر خداوند ۲۳
- ۱,۴. فلسفه مکر الهی ۲۸
- ۱,۵. نمونه‌هایی از مکر الهی ۲۹
- ۱,۶. مکر غیر خداوند ۳۱
- ۱,۶,۱. مکر زدن به خدا از نگاه قرآنی ۳۲
- ۱,۶,۲. بی تأثیری مکر در برابر حق از دیدگاه قرآن ۳۳
- ۱,۷. ایمنی از مکر خدا در قرآن و روایات ۳۴

۱,۸. چه کسانی در معرض مکر الهی قرار دارند ۳۷

فصل دوم: مکر، مصادیق و پیامدهای آن

۲,۱. مصادق های مکر ۴۰

۲,۲. پیامدهای مکر در آیات و روایات ۴۴

۲,۲,۱. شکست مکاران در حيله و مکرشان ۴۴

۲,۲,۲. گرفتار شدن مکاران در قهر و عذاب الهی ۴۵

۲,۲,۳. هلاکت مکاران ۴۸

۲,۲,۴. بازگشت مکر و حقه به مکاران ۴۹

۲,۲,۵. خواری و ذلت مکاران ۵۱

۲,۲,۶. عذاب سخت مکاران ۵۳

۲,۲,۷. عذاب اخروی مکاران ۵۴

۲,۲,۸. گمراهی مکاران از حق ۵۵

نتیجه گیری ۵۸

پیشنهادهای و راهکارها ۶۰

منابع و مآخذ ۶۱

مقدمه

یکی از گناهانی که غالباً همراه انسان است و به صورت نامحسوس، در بسیاری از انگیزه ها و رفتارهای او تأثیر می گذارد مکر است که آثاری را در سعادت دنیوی و اخروی انسان به بار می آورد.

مکر به معنای جستن راه های پنهان برای اذیت رساندن به مردمان است؛ لذا رذيله اى از رذائل قوه ى عاقله است و جزء مهلكات بزرگ و زشت ترين رذائل به حساب مى آيد كه گناه شديد و بزرگى به شمار مى رود.

و از اینجاست که کراراً در قرآن شریف آمده است:

«وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ؛ وَ نِيرَنكَ زُشْتِ جِز دَامَانَ صَاحِبِش رَا نَغِيرِد.»

پس لازم است تا حقیقت مکر، مصادیق، آثار آن شناخته شود تا انسان بداند چگونه می تواند از صفت رذيله مکر دور بماند یا آن را درمان کند، زیرا اگر درون کسی این رذيله باشد هیچگاه به کمال حقیقی نائل نمی شود.

با توجه به آیات و روایات مشخص می شود که مکر دارای آثار فراوان است از جمله شکست مکاران در حيله و مکرشان، بازگشت مکر و حقه به مکاران، خواری و ذلت مکاران، هلاکت مکاران، گرفتار شدن مکاران در قهر و عذاب الهی می باشد.

از جمله مصادیق مکر، سنّت استدراج، سنّت امهال، سنّت عکس العمل یا بازگشت عمل به خود شخص، سنّت واگذاری به خویشتن، سنّت تزیین را می توان بیان کرد.

در این پژوهش با روش کتابخانه ای در کتبی از جمله: الخصال، من لایحضره الفقیه، الامالی، اخلاق شیر و رهایی از مکر جستجو شد.

و این نوشتار از دو بخش، بخش اول: کلیات و مفاهیم، و بخش دوم از چیستی مکر و پیامدهای مکر نوشته شده است.

بخش اول: کلیات و مفاهیم

فصل اول: کلیات تحقیق

فصل دوم: مفاهیم

فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱,۱. تعریف و تبیین موضوع
- ۱,۲. اهمیت و ضرورت تحقیق
- ۱,۳. اهداف و فواید تحقیق
- ۱,۴. پیشینه موضوع تحقیق
- ۱,۵. سوالات تحقیق
- ۱,۶. فرضیه تحقیق
- ۱,۷. روش تحقیق
- ۱,۸. ساختار تحقیق
- ۱,۹. کلید واژه ها
- ۱,۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق

۱,۱. تعریف و تبیین موضوع

مکر در اصطلاح علم اخلاق به معنای جستن راه‌های پنهان برای اذیت رساندن به مردمان است. در علم لغت واژه‌ی مکر مترادف با کلماتی مانند کید و خدعه گرفته شده که در معنای پنهان‌کاری مشترک هستند؛ اما از وجوهی دیگر با هم تفاوت دارند:

و چون یکی از گناهان بزرگ در اسلام به شمار می‌آید و کراراً در قرآن شریف آن را فعلی حرام دانسته است و از عواقب آن مکر الهی نسبت به شخص می‌باشد.

لذا ایمنی از مکر الهی که یک صفت باطنی است و گاهی در اعماق قلب انسان به آرامی حرکت و نمو می‌کند آشنایی با آن و عواقب آن لازم است. منظور از مکر خدا اشاره به برتر و قدرتمندتر بودن خداوند نسبت به دیگران است که به بدکاران نتیجه مکرشان را می‌چشاند، نه این که معنای واقعی مکر اراده شده باشد.

۱,۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

مکر عبارت است از فریب و خدعه است که بندگان برای حفظ نفس خود و استیلا بر غیر و رسیدن به غرض فاسد خود می‌نمایند. که در مقابل آن مکر الهی است که عبارت است از یک نوع عقوبت و انتقام و قهر که در مقابل عمل زشت بنده اش جاری می‌فرماید و آن عقوبت از طریقی است که بر بنده مخفی باشد و نداند که مورد قهر و انتقام است.

مکر الهی ، شکی نیست که همان مکر صحیح و ممدوح است یعنی نقشه های شیطانی ستمکاران را باطل می‌فرماید، زیانهای مکر آنها را به خودشان بر می‌گرداند. برای اینکه به دام مکر الهی گرفتار نشویم ضروری است معنای مکر، مکر بشری و مکر الهی ، و آیات و روایاتی که در این باره و پیامدهای آن وارد شده است را بررسی نمود.

۱,۳. اهداف و فواید تحقیق

هدف تحقیق:

آشنایی با رویکرد کلام الهی و سخنان معصومین (علیهم السلام) نسبت به مکر.

فواید تحقیق:

۱ - آشنایی با مفهوم مکر و انواع آن.

۲ - شناخت حقیقت مکر در آیات الهی.

۳ - شناخت برخی از مصادیق و پیامدهای مکر در آیات قرآن.

۱,۴. پیشینه موضوع تحقیق

از آن رو که موضوع مکر یکی از مباحث بیان شده در قرآن و سنت می باشد، به صورت پراکنده می توان در کتب مختلف مطالبی در مورد آن مشاهده نمود و می توان گفت عالمان دینی از آن غافل نشده اند. و علمای اخلاق و عرفای اسلامی، همواره اهل سیر و سلوک آن را بهترین و نزدیک ترین راه ارتباط با معبود می دانند.

کتبی که در این زمینه منتشر شده است هر کدام به صورت پراکنده به تبیین گوشه ای از آن پرداخته است از جمله: معراج السعاده نوشته ی احمد نراقی و قلب سلیم اثر عبدالحسین دستغیب که فقط به صورت مختصر به این موضوع اشاره نموده اند، و کتبی که به طور منسجم و منظم، مطالب را بر اساس ساختار این نوشتار بیان کرده باشند یافت نشد. لذا تحقیق حاضر با استفاده از این منابع و سایر منابع دیگر سعی در گردآوری اکثر مطالب و ارائه آن با یک دسته بندی جدید، نموده است.

۱,۵. سوالات تحقیق

سؤال اصلی:

رویکرد کلام الهی و معصومین (علیهم السلام) نسبت به مکر چگونه است؟

سؤالات فرعی:

۱. واژه مکر به چه معناست و واژگان مرتبط با آن چیست؟

۲. در آیات و روایات مصادیق مکر چه مواردی است؟

۳. پیامدهای مکر در آیات و روایات چه می باشد؟

۱,۶. فرضیه تحقیق

مکر بشری یکی از رذایل است، که آیات و روایات فراوانی به این مطلب دلالت دارد.

۱,۷. روش تحقیق

مسئله مکر از جمله مسائلی است که در بین افراد جامعه کم و بیش رواج دارد، لذا با مطالعه آیات و روایات، کتب تفسیری و اخلاقی سعی در بررسی این موضوع نموده. در کل این تحقیق به روش کتابخانه ای و به صورت تحلیلی – توصیفی می باشد.

۱,۸. ساختار و محدوده ی تحقیق

پژوهش حاضر از مقدمه، دو بخش و یک نتیجه گیری تشکیل شده است. در بخش اول: کلیات بحث، مطرح شده که شامل دو فصل است. فصل اول کلیات طرح تحقیق و فصل دوم مفهوم شناسی واژه مکر و واژگان مرتبط با آن از جمله کید، خدعه، غدر، و ارتباط این واژگان با کلمه مکر بیان شده است. و در بخش دوم: به دو فصل: فصل اول که به چیستی مکر از جمله اقسام مکر در آیات و روایات، فلسفه آن، مکر الهی، بی تأثیری مکر در برابر حق و فصل دوم به مصادیق و پیامدهای دنیوی و اخروی آن پرداخته است.

۱,۹. واژگان کلیدی

کید: به معنای سعی و تلاش در ضرر رساندن به غیر به صورت حيله کردن معنا شده است. و به عملی فریبکارانه برای آسیب رسانی به دشمن اطلاق می شود.

خدعه: از مادهی «خدع» است به معنای وادار کردن دیگری به کاری که او در صدد آن کار نبوده و آشکار کردن کاری بر خلاف آنچه که پوشیده است.

مکر بشری: مکر به معنای جستن راههای پنهان برای اذیت رساندن به مردمان است؛ لذا رذیلهای از رذائل قوهی عاقله است و جزء مهلکات بزرگ و زشتترین رذائل به حساب می آید که گناه شدید و بزرگی به شمار می رود.

مکر الهی: «مکر» در اصل به معنای غافل گیر کردن شخصی و ضرر رساندن به اوست؛ این عمل از خداوند وقتی صحیح است که به عنوان مجازات صورت بگیرد، و از ناحیهای که خود فریبکار از آن

غافل است، عذاب نماید؛ و همچنین خداوند سرنوشتی را برای او تنظیم می‌کند که وی با پای خودش، درحالی‌که غافل از سرنوشت خود است، به سوی عذاب الهی برود.

۱۰۱. محدودیتها و موانع تحقیق

این پژوهش نیز به نوبه ی خود مانند پژوهش های دیگر با مشکلات و موانعی همراه بوده است که برخی از آن ها عبارتند از:

۱. عدم دسترسی سریع و آسان به مراکز مختلف تحقیقاتی – علمی.

۲. کمبود منابع معتبر در زمینه موضوع پژوهش حاضر و عدم دسترسی به کتابخانه های غنی.

فصل دوم: مفهوم شناسی

۱, ۲. مفهوم شناسی واژه «مکر»

۲, ۲. واژگان مرتبط با مکر

لازم است ابتدا به خاطر اهمیت این موضوع، به مفهوم شناسی واژه ی «مکر» پرداخته و سپس به جایگاه و اهمیت ترک آن در آیات و روایات بپردازیم. برای شناخت مفهوم مکر ابتدا معنای لغوی آن را بررسی خواهیم کرد:

۲,۱. مفهوم شناسی واژه «مکر»

۲,۱,۱. معنای لغوی واژه مکر

مکر در لغت به معنای تدبیر برای ضرر رساندن^۱ اعم از آن که اصل تدبیر خوب باشد یا بد،^۲ یا به معنای حيله گری در نهان آمده؛^۳ یعنی منصرف کردن غیر، از تصمیم خودش به وسیله ی نیرنگ.^۴ معادل «مکر» در زبان فارسی فریب، نیرنگ و... است.^۵

«مکر» در لغت عرب با آنچه در فارسی امروز از آن می فهمیم تفاوت بسیار دارد در فارسی امروز مکر به نقشه های شیطانی و زیان بخش گفته می شود، در حالی که در لغت عرب هر نوع چاره اندیشی را مکر می گویند که گاهی خوب و گاهی زیان آور است.

راغب در معنای مکر می گوید: «المکر صرف الغير عما یقصد»^۶ مکر این است که کسی را از منظورش باز دارند. (اعم از اینکه منظورش خوب باشد یا بد.)

۱. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش، ص ۱۴۳.

۲. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ص ۱۷۱.

۳. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۳.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، ص ۷۷۲.

۵. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، تهران: دانشگاه تهران، بهار ۱۳۷۳ش، ص ۱۸۸۹.

۶. فواد افرام بستانی و رضا مهیار، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۵، ص ۸۵۵.

مکر به دو قسمت تقسیم می شود: یکی مکر محمود و آن مکاری است که مکر کننده، در طلب کار خوبی باشد و درباره خدا فرموده است که: (پروردگار، بهترین مکرکنندگان است) و مکر مذموم، آن مکاری است که مکر کننده در طلب عمل قبیحی باشد و خداوند درباره‌ی چنین مکاری فرموده است: «جزای مرگ ناپسند نازل نمی شود مگر به آنان که مرتکب عمل مکر شده اند.» خدعه و مکر اقبال نمودن و گمراه کردن مردم است، افراد مکار می توانند در جمیع شئون اجتماعی، دینی، اخلاقی و اقتصادی این روش پلید را به کار گیرند و از این راه به هدف نامشروع خود دست پیدا کنند. اسلام، این مکرها را که برای نیل به مقاصد خائنانه و ناپاک است مذمت نموده و اولیای گرامی اسلام، مسلمانان را از آن برحذر داشته اند.

یادآوری این نکته ضروری می نماید که، قرآن کریم گاهی مکر را به «سیء» (بد و ناپسند بدون) متصف می نماید و می فرماید: «و لا یحیی المکر السیئ الا باهله»^۱ در نتیجه فهمیده می شود مکر به معنای مطلق چاره اندیشی و تدبیر است، ولی گاهی مورد پسند و گاهی مذموم است.^۲

۲، ۱، ۲. معنای اصطلاحی واژه مکر

مکر در اصطلاح علم اخلاق به معنای جستن راههای پنهان برای اذیت رساندن به مردمان است؛ لذا رذیله‌ای از رذائل قوه‌ی عاقله است و جزء مهلکات بزرگ و زشت‌ترین رذائل به حساب می آید که گناه شدید و بزرگی به شمار می رود.^۳

۱. فاطر (۳۵)، آیه ۴۳.

۲. منصوره زینایان، مقاله مکر الهی و فلسفه آن، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۸/۹، <http://ofogh-kavir.com>

۳. مهدی نراقی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، چاپ چهارم، تهران: حکمت، ۱۳۷۰ش، ص ۲۴۶.

۲،۲. واژگان مرتبط با مکر

ماده‌ی «مکر» در قرآن کریم ۴۳ بار به کار رفته که بیشتر موارد درباره‌ی خداوند مطرح شده؛^۱ از این رو برخی برای مکر در قرآن کریم معنای تدبیر و تقدیر را ارائه داده‌اند.^۲

در علم لغت واژه‌ی مکر مترادف با کلماتی مانند کید و خدعه گرفته شده که در معنای پنهان کاری مشترک هستند؛^۳ اما از وجوهی دیگر با هم تفاوت دارند:

۱. کید: به معنای سعی و تلاش در ضرر رساندن به غیر به صورت حيله کردن معنا شده است.^۴ و به عملی فریبکارانه برای آسیب‌رسانی به دشمن اطلاق می‌شود. این ماده در بسیاری از موارد به معنای مکر بیان شده و ۳۵ مرتبه در قرآن به کار رفته؛^۵ و تفاوتش با مکر اینست که شدیدتر از آن است.^۶
۲. خدعه: از ماده‌ی «خدع» است به معنای وادار کردن دیگری به کاری که او در صدد آن کار نبوده و آشکار کردن کاری بر خلاف آنچه که پوشیده است.^۷ «خدعه» معنایی شبیه به معنای مکر دارد،^۸ که در قرآن پنج بار به کار رفته،^۹ اما گستره‌ی معنایی آن محدودتر از «مکر» است، به نحوی که خدعه فقط شامل مخفی کردن مواردی می‌شود که از شأن آنها ظاهر بودن است؛ یعنی تنها تفاوتشان

۱. آل عمران (۳)، آیه ۵۴؛ انفال (۸)، آیه ۳۰؛ اعراف (۷)، آیه ۹۹؛ یونس (۱۰)، آیه ۲۱.

۲. علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۶۵.

۳. حسن مصطفوی، همان، ج ۱۱، ص ۱۴۳.

۴. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، ج ۳، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۳۹.

۵. آل عمران (۳)، آیه ۱۲۰؛ نساء (۴)، آیه ۷۶.

۶. ابی‌هلال عسکری، معجم الفروق اللغویة، قم: اسلامی، ۱۴۱۲ ق، ص ۵۰۸.

۷. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، چاپ یکم، دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲، ص ۲۷۶.

۸. محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، چاپ سوم، بیروت: ونشر دار الصار، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۳.

۹. بقره (۲)، آیه ۹؛ نساء (۴)، آیه ۱۴۲؛ انفال (۸)، آیه ۶۲.

در صفت مخفی بودن گفته شده است.^۱ خدعه در جنگ، در واقع راهی است برای شکست دشمن و حيله‌ای است که با آن می‌توان بهترین ضربات را بدون نامردی، خیانت و پیمان‌شکنی و زیر پا گذاشتن اصول انسانی به دشمن وارد ساخت.

از نظر فقهی این مسئله اجماعی است که خدعه در جنگ جایز است. «خدعه در جنگ جایز است و مبارز می‌تواند رقیب خویش را با توسل به خدعه فریب دهد و به قتل برساند و این مسئله اجماعی است.»^۲ صاحب جواهر پس از اشاره به عدم جواز غدر، خدعه در جنگ را جایز می‌داند و معتقد است: در «تذکره» و «منتهی» بر این امر اجماع شده است.^۳

در کتاب المغنی، فصلی است تحت عنوان «و تجوز الخدعة فی الحرب للمبارز و غیره لان النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) قال: الحرب خدعة و هو حدیث حسن صحیح»^۴ ایشان سپس به خدعه علی (علیه السلام) در هنگام جنگ با عمرو بن عبدود اشاره کرده است.^۵ به همین جهت دروغ گفتن در جنگ از نظر شرعی مجاز شمرده شده است.^۶ صاحب کشف القناع نیز خدعه در جنگ را جایز می‌داند و دلیل بر این امر را حدیث «الحرب خدعة» ذکر می‌کند.^۷

همچنین سیاست «جنگ فریب است» را هر عقل سلیمی قبول دارد و براساس آن عمل می‌کند. مسعودی در مروج الذهب پس از بیان حدیث رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) (الحرب خدعة) آورده

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۷۰.

۲. حسن بن یوسف حلّی، تذکره الفقهاء، ج ۱، قم: الاحیاء التراث، ۱۳۷۳، ص ۴۱۴؛ همان، ج ۹، ص ۸۳.

۳. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، حیدر دباغ، ج ۲۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۵، ص ۷۹.

۴. عبدالله بن قدامه، المغنی، ج ۱۰، بیروت: دارالحدیث، بی تا، ص ۳۹۶.

۵. همان، ص ۳۹۷.

۶. روح الله خمینی، المکاسب المحرمه، ج ۲، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۹۰ - ۷۷ - ۴۴.

۷. منصور بن یونس بهوتی حنبلی، کشف القناع عن متن الاقناع، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸، ص ۷۹.

است: از کلام بسیار کوتاه و گویای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) مشخص است که قتال با شمشیر در مراحل آخر جنگ است و در مراحل ابتدایی باید از خدعه بهره برد. ... این مطلب را هر انسان با بصیرت، دارای سیاست و مدیریتی، خوب می‌فهمد.^۱

هر انسان خردمندی می‌داند که از این روش در جنگ باید استفاده کرد. از گذشته‌های دور تا به امروز، همواره فریب‌های نظامی، به صورت بسیار گسترده در جنگ‌ها استفاده می‌شود. برای نمونه بعضاً در جنگ‌ها برای فریب دشمن، جابجایی نیروها و تجهیزات نظامی به بخشی از مرز صورت می‌گیرد، اما در واقع عملیات نظامی از منطقه‌ای دیگر آغاز می‌شود.

دشمن که تصور نمی‌کرده از این منطقه، عملیاتی صورت بگیرد، غافل‌گیر شده و شکست می‌خورد. آیا باید این تاکتیک نظامی را فریب‌کاری و خدعه و نیرنگ به حساب آوریم و بگوییم از نظر اخلاقی چنین کاری درست نیست؟! در درگیری‌های نظامی هر یک از طرفین، بیشترین تلاش را صرف اتخاذ سیاست‌های فریب‌دهنده می‌کنند تا دشمن خویش را شکست دهند و وی را وادار به تسلیم نمایند. این مسئله به قدری واضح است که به نظر می‌رسد نیاز به توضیحات بیشتری نداشته باشد.^۲

۳. غدر: «غَدْرٌ» به معنی ترک وفا و شکستن پیمان است.^۳ جمع آن «غَدَرَةٌ» و اسم فاعل آن «غادر» است. کلمه «غدار» به معنای «کثیر الغدر» است.^۴ غدر بیشتر در دشنام استفاده می‌شود و گفته

۱. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، چاپ بیست و ششم، بیروت: دارالاندلس للطباعة و النشر، ۱۹۸۵م، ص ۲۹۳.

۲. روح‌الله رضائی، مقاله مکر، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۸/۹، <http://www.pajoohe.com>

۳. فخرالدین طریحی، همان، ج ۳، ص ۴۲۱.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، همان، ص ۶۰۲.

می‌شود «یا غدر» یعنی ای نیرنگ‌باز، ای پیمان‌شکن.^۱ ضد کلمه غدر، «وفا» است. وقتی گفته می‌شود «وفی بعهده» در جایی است که غدیری به کار نبرده باشد.^۲ غدر در جنگ، در واقع استفاده از روش‌های غیر انسانی و غیر اخلاقی برای غلبه بر دشمن است. از جمله موارد غدر، علاوه بر وفا نکردن به پیمان و شکستن آن، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: کشتن بعد از امان، حمله به دشمن در زمان آتش‌بس،^۳ آلوده کردن آب‌های آشامیدنی دشمن و یا مسموم کردن غذاهای آنها و ...

از منظر فقهی، «غدر» (برخلاف خدعه) منع شده است. صاحب جواهر می‌نویسد: «غدر مانند به قتل رساندن دشمن بعد از امان به او، جایز نیست.» این مسئله اجماعی است؛ چرا که در نصوص نیز نهی شده است.^۴ مضافاً به اینکه فی نفسه هم قبح دارد و باعث تنفیر مردم از اسلام می‌شود.^۵ ایشان سپس به حدیث حضرت علی (علیه السلام) اشاره می‌کند که می‌فرماید: «وَلَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْغَدْرِ كُنْتُ مِنْ أَذْهِی النَّاسِ ...»^۶

صاحب جواهر روایت دیگری را از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند. در این روایت، سائل از امام (علیه السلام) می‌پرسد: اگر دو گروه از اهل حرب که هر کدام حاکم جداگانه‌ای دارند، به جنگ پردازند سپس صلح کنند بعد یکی از حاکمان نسبت به دیگری غدر کند، یعنی مثلاً نزد مسلمانان بیاید و بخواهد با آنها پیمان ببندد که با رقیبش به جنگ پردازند، حکم این مسئله چیست؟ حضرت

۱. محمد بن مکرم ابن منظور، همان، ج ۵، ص ۸.

۲. فخرالدین طریحی، همان، ج ۱، ص ۴۴۶.

۳. مثلاً در ماه‌های حرام.

۴. ایشان در رابطه با نصوص به وسائل الشیعه باب ۱۵ و ۲۱، ابواب «جهاد العدو» ارجاع می‌دهد.

۵. محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۷۸.

۶. (اگر غدر ناپسند نبود، من زیرک‌ترین مردم بودم)؛ عبد الحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة

لابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۰، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۱۱.

فرمودند: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِينَ أَنْ يَغْدِرُوا وَلَا يَأْمُرُوا بِالْغَدْرِ وَلَا يُقَاتِلُوا مَعَ الَّذِينَ غَدَرُوا»^۱ برای مسلمانان غدر و امر به غدر، هم‌چنین همکاری با کسانی که غدر کرده‌اند، جایز نیست.» بنابراین با توجه به اینکه غدر در واقع خیانت و نیرنگ است و عملی قبیح و غیر انسانی شمرده می‌شود، در دین منع شده است.

۲,۳. رابطه واژه مکر با کید و خدعه

در علم لغت واژه مکر مترادف با کلماتی مانند کید و خدعه گرفته شده که در معنای پنهان‌کاری مشترک هستند.^۲

اما از جهاتی مکر با کید تفاوت دارند:

۱,۲,۳. شدیدتر بودن کید نسبت به مکر

کید به معنای سعی و تلاش در ضرر رساندن به غیر به صورت حيله کردن معنا شده است.^۳ این ماده در بسیاری از موارد به معنای مکر بیان شده و ۳۵ مرتبه در قرآن به کار رفته؛^۴ و ... و تفاوتش با مکر اینست که شدیدتر از آن است.^۵

۲,۳,۲. محدودیت معنایی خدعه نسبت به مکر

۱. محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۷۹.

۲. حسن مصطفوی، همان، ج ۱۱۰، ص ۱۴۳.

۳. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، احمد حسینی اشکوری، چاپ چهارم، ج ۳، قم: مرتضوی، ۱۴۰۸، ص ۱۳۹.

۴. آل عمران (۳)، آیه ۱۲۰؛ نساء (۴)، آیه ۷۶.

۵. ابو هلال عسکری، معجم الفروق اللغویه، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵، ص ۵۰۸.

خدعه از ماده «خدع» است به معنای وادار کردن دیگری به کاری که او در صدد آن کار نبوده و آشکار کردن کاری بر خلاف آنچه که پوشیده است.^۱

«خدعه» معنایی شبیه به معنای مکر دارد،^۲

که در قرآن پنج بار به کار رفته،^۳ اما گستره معنایی آن محدودتر از «مکر» است، به نحوی که خدعه فقط شامل مخفی کردن مواردی می‌شود که از شأن آنها ظاهر بودن است؛ یعنی تنها تفاوتشان در صفت مخفی بودن گفته شده است.^۴

۲,۳,۳. جنبه ابزاری داشتن مکر نسبت به خیر و شر

بر اساس معنایی که برای «مکر» ذکر شده، مکر جنبه ابزاری دارد و می‌تواند ابزاری برای افعال خیر یا افعال شر قرار گیرد؛ از این رو مکر هم می‌تواند در افعال شر و هم در افعال خیر به کار رود؛ مانند: خوراندن داروی مفید به کودک مریض به وسیله مکر.^۵

البته استعمال لفظ «مکر» بیشتر در موارد مذموم است، به خصوص در زبان فارسی؛^۶ لذا برخی مفسران تمام موارد مکر را در رابطه با افعال شر و مذموم دانسته‌اند.^۷

۲,۴. تفاوت خدعه و غدر

-
۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، همان، ص ۲۶۷.
 ۲. محمد بن مکرم ابن منظور، همان، ج ۸، ص ۶۳.
 ۳. نساء (۴)، آیه ۲۴؛ انفال (۸)، آیه ۶۲؛ بقره (۲)، آیه ۹.
 ۴. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۷۰.
 ۵. حسین بن محمد راغب اصفهانی، کرانه سعادت، ترجمه سیدمهدی شمس الدین، قم: مترجم، ۱۳۷۶، ص ۲۱۳.
 ۶. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۶۶.
 ۷. محمد بن طاهر ابن عاشور، ج ۲۲، التحرير و التئیر، بیجا: بیتا، ص ۱۸۵.

بدون شک بین «خدعه» - که منحصرأ باید در جنگ استفاده شود و در واقع فریب دشمن است - و «غدر» - که خیانت، نیرنگ و نامردی است و در جنگ و غیر جنگ ممکن است استفاده شود - تفاوت بسیاری است. غدر و خیانت، نسبی نیست که در برخی شرایط مجاز باشد و در شرایط دیگر، غیر مجاز. غدر، نیرنگ و خیانت همواره محکوم است؛ چراکه دارای قبح ذاتی است. اما خدعه و فریب نسبی است و در جنگ‌ها به ما اجازه داده‌اند که برای فریب دشمن از این روش استفاده کنیم.

با توجه به آنچه گفته شد مکر در لغت به معنای تدبیر برای ضرر رساندن اعم از آن که اصل تدبیر خوب باشد یا بد، یا به معنای حيله‌گری در نهان آمده؛ یعنی منصرف کردن غیر، از تصمیم خودش به وسیله‌ی نیرنگ. معادل «مکر» در زبان فارسی فریب، نیرگ و... است. و در اصطلاح علم اخلاق به معنای جستن راه‌های پنهان برای اذیت رساندن به مردمان است؛ لذا رذیله‌ای از رذائل قوه‌ی عاقله است و جزء مهلکات بزرگ و زشت‌ترین رذائل به حساب می‌آید که گناه شدید و بزرگی به شمار می‌رود.^۱ ماده‌ی «مکر» در قرآن کریم ۴۳ بار به کار رفته که بیشتر موارد درباره‌ی خداوند مطرح شده؛^۲ از این رو برخی برای مکر در قرآن کریم معنای تدبیر و تقدیر را ارائه داده‌اند.^۳

۱. مولی مهدی نراقی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال‌الدین مجتوی، چاپ چهارم، تهران: حکمت، ۱۳۷۰ش، ص ۲۴۶.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۵۴؛ انفال (۸)، آیه ۳۰؛ اعراف (۷)، آیه ۹۹؛ یونس (۱۰)، آیه ۲۱ و...

۳. علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش، ص ۲۶۵.

بخش دوم: مکر، مصادیق و پیامدهای آن

فصل اول: چیستی مکر

فصل دوم: مکر، مصادیق و پیامدهای آن

فصل اول: چیستی مکر

۱,۱. اقسام مکر و خدعه

۱,۲. مکر در آیات و روایات

۱,۳. مکر خداوند

۱,۴. فلسفه مکر الهی

۱,۵. نمونه‌هایی از مکر الهی

۱,۶. مکر غیر خداوند

۱,۶,۱. مکر زدن به خدا از نگاه قرآنی

۱,۶,۱. بی تأثیری مکر در برابر حق از دیدگاه قرآن

۱,۷. ایمنی از مکر خدا در قرآن و روایات

۱,۸. چه کسانی در معرض مکر الهی قرار دارند

مکر یکی از زشت ترین و خطرناک ترین مفاسد اخلاقی است. بی شک بسیاری از مردم نقطه ضعف هایی دارند که غالباً پرده بر آن ها افتاده که اگر این عیوب و نقطه ضعف ها آشکار گردد مفاسد متعددی سطح جامعه را فرا خواهد گرفت به همین دلیل اسلام از افشای آن ها شدیداً نهی کرده است. بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع در این فصل اقسام مکر و خدعه، مکر در قرآن، مکر خداوند، مکر غیر خداوند، فلسفه مکر الهی، نمونه هایی از مکر الهی، بی تأثیری مکر در دیدگاه قرآن، ایمنی از مکر خدا در قرآن و روایات، عوامل بنیادی در ایجاد مکر الهی و چه کسانی در معرض مکر الهی قرار دارند می پردازیم.

۱.۱. اقسام مکر و خدعه

یکی از گناهان بزرگ در اسلام مکر و خدعه با مسلمانان است و کراراً در قرآن شریف علاوه بر این که آن را حرام می داند گوشزد می کند که مکر مکرکننده، به خودش باز می گردد:

«وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ؛^۱ و نیرنگ زشت جز دامان صاحبش را نگیرد.»

و آن اقسامی دارد:

۱. مکر و خدعه با خداوند تبارک و تعالی نظیر مکر و خدعه در تضعیف دین و افرادی که وابسته به دین هستند نظیر علما و متقین و نظیر تقلب در قانون، مثل آن چه در مورد اصحاب سبت که در قرآن آمده است، و این قسم مکر در میان مردم زیاد دیده می شود، و حیللهایی که در حلال کردن حرام نظیر خوردن ربا و فرار نمودن از واجبات نظیر فرار از خمس و از حقوق دیگران و محروم کردن وارث

۱. فاطر (۳۵)، آیه ۴۳.

بدون جهت از ارث و محروم نمودن زوجه از مهریه بکار برده می‌شود که از مصادیق همین مکر و خدعه و تقلب در قانون است.

۲. مکر و خدعه برای جلب مال دیگران، یا ضایع نمودن حقوق دیگران نظیر غش در معاملات و فریب دادن مردم در معاملات که این قسم علاوه بر این که حرام است، حق الناس نیز می‌باشد و به حق الناس در اسلام زیاد اهمیت داده شده است.

۳. مکر و خدعه در ضایع نمودن عرض و آبروی دیگران و یا ایجاد دشمنی میان مسلمانان و امثال این‌ها که این صورت گرچه ضمان‌آور نیست ولی گناهش از قسم دوم بزرگتر است.

۴. مکر و خدعه در جلب منافع و احراز شخصیت بدون این که ضرری برای کسی داشته باشد، و این قسم مکر و خدعه اگر حرامی بر آن مترتب نباشد نظیر دروغ یا غیبت و امثال آن، جایز است ولی مسلمان از این کارها نمی‌کند.^۱

۱،۲. مکر در آیات و روایات

معانی گوناگونی برای «مکر» ذکر شده، مکر جنبه ابزاری دارد و می‌تواند ابزاری برای افعال خیر یا افعال شر قرار گیرد؛ از این رو مکر هم می‌تواند در افعال شر و هم در افعال خیر به کار رود؛ مانند: خوراندن داروی مفید به کودک مریض به وسیله مکر.^۲ البته استعمال لفظ «مکر» بیشتر در موارد مذموم است، به خصوص در زبان فارسی؛^۳ لذا برخی مفسران تمام موارد مکر را در رابطه با افعال شر و مذموم دانسته‌اند.^۴

۱. مکر و خدعه، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی مظاهری، ساعت ۱۳/۳۰، ۸/۳/۱۳۹۳،

<http://www.almazaheri.ir>

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، کرانه سعادت، ترجمه مهدی شمس‌الدین، قم: مترجم، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۱۳.

۳. ناصر مکارم شیرازی، و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۶۶.

۴. محمد بن طاهر ابن عاشور، همان، ج ۲۲، ص ۱۸۵.

در قرآن کریم مسائلی درباره‌ی مکر بیان شده که با توجه به آن آیات می‌توان گفت: مکر در نگاه قرآنی ابزاری برای نیت‌های مذموم و نیت‌های خیر به کار می‌رود:

«...اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ؛^۱... اینها همه به خاطر استکبار در زمین و نیرنگ‌های بدشان بود؛ اما این نیرنگ‌ها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد.»

در این آیه و آیات مانند آن،^۲ مکر با وصف «سَيِّئ» توصیف شده و این وصف می‌رساند که مکر از منظر قرآنی می‌تواند ابزاری برای افعال شر باشد؛ و در مقابل مفهوم مخالفش این است که مکر می‌تواند ابزاری برای افعال خیر نیز باشد.^۳

همچنین در فرازهای دیگری از آیات شریفه مکر به خدا نسبت داده شده است:

«وَمَكْرُوا وَ مَكْرَ اللَّهِ...؛^۴ و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش،) نقشه کشیدند و خداوند (بر حفظ او و آیینش،) چاره‌جویی کرد...»^۵

انتساب مکر به خداوند و توجه به این نکته که از خدای تبارک هیچ فعل مذمومی سر نمی‌زند، روشن می‌کند که قرآن کریم مکر را فقط ابزاری برای افعال شر نمی‌داند؛ بلکه مکر می‌تواند در دست کسانی با نیت‌های پاک باشد و در افعال خیر به کار رود؛ همچنان که می‌تواند ابزاری در دست صاحبان نیت‌های شوم باشد و در افعال شر به کار رود.^۶

۱,۳. مکر خداوند

-
۱. فاطر (۳۵)، آیه ۴۳.
 ۲. غافر (۴۰)، آیه ۴۵؛ نحل (۱۶)، آیه ۴۵.
 ۳. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، چاپ هشتم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸، ص ۲۶۶-۲۶۵.
 ۴. آل عمران (۳)، آیه ۵۴.
 ۵. محمد حسین فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ج ۶، چاپ دوم، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ق، ص ۴۶.

مکر درباره‌ی خدا در آیات بسیاری به کار رفته و کاربرد آن در قرآن کریم مباحث بسیاری را در پی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱،۳،۱. معنا و مفهوم مکر خدا

در معناشناختی مکر خداوند در بیان قرآنی نظریات متفاوتی از سوی مفسران ارائه شده است: برخی قائلند که مکر درباره‌ی خداوند به صورت حقیقی به کار نرفته و اینکه قرآن می‌فرماید: «وَمَكْرُوهٌ وَمَكْرَ اللَّهُ...»^۱، کاربرد این نوع مکر به صورت مجازی است؛ البته مجازی بودن به دو صورت توجیه شده است:

اولاً؛ به کارگیری مکر خدا در برابر مکر دیگران اشاره به برتر و قدرتمندتر بودن خداوند نسبت به دیگران است که به بدکاران نتیجه مکرشان را می‌چشاند، نه اینکه معنای واقعی مکر اراده شده باشد.^۲

ثانیاً؛ مکر خدا تنها برای هماهنگی و تقارن در کلام است؛ مثل آیه‌ی ذیل که می‌فرماید: «...فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ»^۳ و (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید!

تعدی به مثل، تجاوز نیست؛ بلکه جزاء تعدی کننده است؛^۴ به عبارتی تعدی اولی ظلم است، اما دومی ظلم نیست؛ بلکه عقاب و جزاء تجاوزگران است؛ پس «مکر» اگرچه قبیح است، اما چون خداوند به خودش نسبت داده، برای تقارن کلام بوده و مجازاتی است برای مکر کنندگان جهت عقوبت؛ بنابراین مکر حقیقی نیست، بلکه به عنوان مجاز به کار رفته است.^۶

۱. آل عمران (۳)، آیه ۵۴.

۲. محمد عزت دروزه، التفسیر الحدیث، ج ۲، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۳ ق، ص ۴۳۵.

۳. بقره (۲)، آیه ۱۹۴.

۴. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ص ۴۷۶.

۵. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۸۳.

۶. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۶.

این نوع تفسیر در صورتی با معنای مکر سازگاری دارد که مکر را ذاتاً مذموم فرض کنیم؛ لذا به توجیه آن می‌پردازیم. بر اساس همین اندیشه درباره‌ی مذموم بودن مکر، برخی انتساب مکر به خداوند را در غیر از مواردی که در قرآن به کار رفته، ناحق می‌دانند.^۱

پس از بیان تفاسیر ارائه شده برای آشکار شدن معنای مکر در انتساب به خداوند، به دو نوع کاربرد مکر می‌پردازیم که به خدا نسبت داده شده‌اند و در آیات به دو صورت ابتدایی و ثانوی به کار رفته‌اند و برای هر کدام معنا و مفهوم خاص ارائه شده است:^۲

مکر ابتدایی: در برخی از آیات قرآن نسبت مکر به خدای تبارک به صورت ابتدایی بوده و بطور مستقیم از مکر خدا سخن به میان آمده است:

«أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ»^۳ و آیا (آنان) از ترفند خدا ایمن شده‌اند و [حال آنکه] جز گروه زیانکاران از ترفند خدا ایمن نمی‌باشند؟^۴

مکر ابتدایی یعنی بدون اینکه بنده‌ای مرتکب معصیت و مکاری شود، صدورش از ناحیه‌ی خداوند مستمع است؛ اما اینکه فرمود: «هیچ احدی از عذاب الهی در امان نیست»، وجهش این است که ایمن بودن از مکر خدا در حقیقت خود مکاری از ناحیه‌ی خدای تعالی است که دنبالش عذاب است؛ و اینکه فرمود: «مردم ایمن از مکر خدا فقط زیانکارانند»، چون همان ایمنی‌شان نیز مکر خداست.^۵

مکر ثانوی: در اکثر آیات مکر خدا در مرتبه‌ی دوم به کار رفته؛ یعنی اول از مکر دیگران در برابر خداوند و دین خدا یاد شده، سپس در مقابل این مکر از مکر خداوند نیز یاد شده است:

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، کرانه سعادت، همان، ص ۲۱۵، ۲۱۴.

۲. ناصر خدایاریو مرادی صادق، نگرشی بر اخلاق از دیدگاه قرآن، تبریز: سالار، ۱۳۷۹ش، ص ۳۷۲.

۳. أعراف (۷)، آیه ۹۹.

۴. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، چاپ پنجم، قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم،

۱۴۱۷ق، ص ۲۰۲.

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤُنَ النَّاسَ وَلا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛ منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ درحالی‌که او آنها را فریب می‌دهد و هنگامی‌که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند و در برابر مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند!»

«مکر» در اصل به معنای غافل‌گیر کردن شخصی و ضرر رساندن به اوست؛ این عمل از خداوند وقتی صحیح است که به عنوان مجازات صورت بگیرد، و از ناحیه‌ای که خود فریبکار از آن غافل است، عذاب نماید؛ و همچنین خداوند سرنوشتی را برای او تنظیم می‌کند که وی با پای خودش، درحالی‌که غافل از سرنوشت خود است، بسوی عذاب الهی برود.^۲

بنابراین خدعه‌ی منافقان همان ناتوانی، حيله‌گری، کذب و نفاق است؛ اما خدعه‌ی خداوند همان قدرت لایتنه‌ای است در برابر ناتوانی آنها، صدق در جاری کردن احکام اسلام در برابر کذبشان و جزاء موافق با پنهان کاری و حال منافقان، و در آخرت نیز گرفتار عذاب دردناک می‌شوند.^۳

۱,۳,۲. ویژگیهای مکر خدا

در قرآن کریم مکر خدا سریع‌ترین و کارآمدترین مکرها و خداوند بهترین و برترین مکاران معرفی شده که در این بخش به بررسی برخی از این صفات می‌پردازیم:

«...وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛... و خداوند، بهترین چاره‌جویان است.»

مکر خداوند در این آیه به صفت «خیر» یعنی برتر بودن متصف شده که از دو لحاظ می‌توان آن را در نظر گرفت؛ هم از لحاظ نظری به این معنا که از جهت حق، صدق، صحت و رو بودن کامل‌تر است؛

۱. نساء(۴)، آیه ۱۴۲.

۲. عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۴، ص ۳۸۱.

۳. یونس (۱۰)، آیه ۲۱.

۴. آل عمران(۳)، آیه ۵۴؛ انفال(۸)، آیه ۳۰.

هم از لحاظ عملی به این معنا که از نظر قوت و قدرت برتر است. پس اینکه مکر خداوند و ماکر بودن

او خیر است؛ یعنی از هر دو جنبه برتر از مکرها و ماکرهای غیر اوست.^۱

در آیه‌ی دیگر می‌فرماید:

«...قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا»^۲...خداوند سریع‌تر از شما مکر [چاره‌جویی] می‌کند»

صفت دیگری که برای مکر خداوند در قرآن کریم بیان شده، سریع‌تر بودن است؛ اما خدا چگونه سریع‌ترین مکار است و منظور از سرعت در مکر چیست؟ مفسران در این زمینه چنین بیان کرده‌اند که خداوند از اعمال و اراده‌ی بندگان خود پیش از همه آگاهی دارد و نمی‌توان چیزی را بر خدا مخفی کرد؛ از این رو بندگان که در رفتار و نیت‌های خود خیال می‌کنند خداوند از آنها آگاهی ندارد و می‌توانند درباره‌ی دین خدا مکاری به کار گیرند، در اشتباهند و در حقیقت به خود مکر می‌زنند. بنابراین اضلال خداوند و مکر اوست که پیش از هر مکر به آنها رسیده و اینچنین سریع بودن مکر خدا معنا پیدا می‌کند.^۳

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲۶ و ۲۷ از سوره بقره، می‌نویسد:

«در قرآن مجید، اضلال (گمراه کردن)، خدعه و مکر، کمک‌رسانی به بندگان برای عصیانگری و طغیان، مسلط ساختن شیطان بر انسان و نظایر آن به نحوی به خداوند متعال نسبت داده شده است که با ساحت قدس او و منزّه بودنش از آلودگی به نقص و زشتی و مکر سازگار باشد»

بدیهی است که کلیه این مفاهیم در نهایت به اضلال و انواع آن باز می‌گردد و هر اضلالی را، حتی اضلال بدوی و اضلالی که با اغفال صورت پذیرد را نمی‌توان به خداوند نسبت داد و شایسته او هم نیست»

۱. عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۴، قم: اسراء، ۱۳۷۸ ش، ص ۳۸۱.

۲. یونس (۱۰)، آیه ۲۱.

۳. وهبة بن مصطفى زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، ج ۱۳، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۹۳.

آری اضلال به معنای مجازات و کیفر و یاری نکردن و رها ساختن به حال خود، برای کسی که با

سو اختیار خویش به پیشواز گمراهی می‌رود، برای خداوند ثابت است»^۱

علامه در جایی دیگر، ذیل آیه ۹۹ سوره اعراف (أفأمنوا مکر الله...)، گوید:

«مکر از سوی خداوند تعالی، فقط به صورت مجازات و کیفر دادن صحیح است. بدین ترتیب که

کسی معصیت کند و در پی آن خداوند او را به طوری یا از جایی که نمی‌داند، مؤاخذه نماید یا

کاری کند که او را به سوی عذاب سوق دهد و او خود متوجه نشود. اما مکر ابتدایی، بدون آن که

پیش از آن گناه و معصیتی تحقق گیرد، نسبت به خداوند متعال ممتنع است»^۲

بنابراین مکر می‌شود که به خدا نسبت داده می‌شود، همان کیفر و مجازات الهی است که بر اثر گناه و

معصیت بنده محقق می‌شود یا حداقل امکان تحققش وجود دارد. اما این که چرا به مجازات و کیفر

الهی «مکر» گویند، از این روست که شخص معصیت کار متوجه نمی‌شود از چه ناحیه‌ای یا چگونه

بلا بر او نازل شده است.

در مجمع‌البیان در این باره آمده است:

«به عذاب، مکر اطلاق شده است؛ از آن رو که اهل عذاب از جایی یا به گونه‌ای که علم و آگاهی

ندارد، به آن دچار می‌گردند؛ همچنان که مکر می‌شود که از ناحیه مکر کننده به مردم می‌رسد، از جایی

است یا به گونه‌ای است که آنان بدان آگاهی ندارند»^۳

۱. محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۹۸ و ۹۹ ذیل بقره (۲) آیه ۲۷، ۲۶.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۰۶.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، ج ۹، چاپ سوم، تهران: فراهانی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۹۰.

۱,۴. فلسفه مکر الهی

خدای مهربان منزّه از آن است که ابتداءً بر ضرر کسی نقشه‌کشی تدبیر (مکر) کند؛ اما گاهی عدالت و حکمتش که بر اساس مصالح و مفاسد و نیز جهت تحقق دین حق و توحید است، اقتضاء می‌کند که نقشه‌های مفسدان و کفار و منافقان را که به تباهی دین، عدالت و انسانیت می‌انجامد، خنثی نماید و یا آن را به خودشان برگرداند و گاهی نیز آنها را به خاطر اعمال و تدبیر شومشان به عذاب گرفتار کند و لطف و توفیق و رحمتش را از آنان سلب نماید، که این در واقع نتیجه عمل خود آنهاست.^۱ نه این که خداوند از آغاز چنین می‌خواسته است. بنابراین نقشه‌کشی خداوند برای از بین بردن افکار و نقشه‌های مفسدان، منافاتی با عدالت او ندارد، بلکه عین عدالت است.^۲

۱,۵. نمونه‌هایی از مکر الهی

در موارد متعددی از آیات قرآن کریم سخن از «مکر الهی» به میان آمده است که به برخی از آنها اشارت می‌کنیم.

۱,۵,۱. امر به هجرت و حفظ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از شر مشرکان

«و اذ یمکر بک الذین کفروا لیثبتوک أو یقتلوک أو یخرجوک و یمکرون و یمکر الله و الله خیر الماکرین»^۳ (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به

۱. حسن المصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۱۴۳، واژه «مکر».

۲. مکر الهی و فلسفه آن، مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآنی، ساعت ۱۳/۳۰، ۱۳۹۳/۸/۳، WWW

. hawzahqom.ir

۳. انفال (۸)، آیه ۳۰.

قتل برسانند و یا (از مکه) خارج سازند، آنها چاره‌ای می‌اندیشیدند (و نقشه می‌کشیدند) و خداوند هم تدبیر می‌کرد، و خدا بهترین چاره جویان و تدبیر کنندگان است.»^۱

در اینجا مقصود از «یمکر» و «یمکرون» نقشه و تدبیر مشرکان است که می‌خواستند حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) را بکشند، یا زندانی و یا تبعید نمایند، و مقصود از «مکر خدا» و «یمکر الله» همان تدبیر خداوند است که آن حضرت را مأمور به هجرت نمود و با نجات دادن او طرحهای آنان را نقش بر آب کرد و با ساده‌ترین وسیله (تار عنکبوت) او را از چنگال مشرکان حفظ نمود.^۲

۱،۵،۲. نجات حضرت عیسی و حفظ دینش

«و مکرو و مکر الله و الله خیر الماکرین؛^۳ و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آئینش) نقشه کشیدند، و خداوند (برای حفظ او و آئینش) چاره جویی کرد، و خداوند بهترین چاره‌جویان است.»^۴

مقصود از «مکرو مکرو» نقشه و طرحهای دشمنان است درباره کشتن و ضربه زدن به دین و پیروان حضرت عیسی (علیه السلام) و مقصود از «مکر الله» نجات دادن و بالا بردن حضرت عیسی (علیه السلام) به سوی خود می‌باشد، چنانکه در آیه بعد^۵ و آیات دیگر، به این مطلب اشارت رفته است.^۶

۱،۵،۳. نابود کردن مفسدان

«و مکروا مکراً و مکرونا مکراً و هم لا یشعرون؛^۷ آنها نقشه مهمی کشیدند و ما هم نقشه مهمی در حالی که آنها درک نمی‌کردند.»^۸

۱. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، همان، ج ۶، ص ۲۶۵، واژه «مکر».

۲. آل عمران (۳)، آیه ۵۴.

۳. آل عمران (۳)، آیه ۵۵.

۴. همان.

در اینجا مقصود از «مکروا مکر» تدبیر و طرحهای دشمنان حضرت صالح است، که نقشه کشیده بودند، حضرت صالح و خانواده‌اش را بکشند، بعد بگویند ما از هلاکت او و خانواده‌اش خبر نداریم، چنانکه در آیه ۴۹ سوره نمل بیان شده است.

و منظور از «مکرنا مکر» همان تدبیر خداست به ضرر مفسدان است که آنها در گوشه‌ای از کوه کمین کرده، کوه ریزش کرد و سنگ بزرگی از بالای کوه سرازیر شد و آنها را در لحظه‌ای کوتاه در هم کوبید و نابود کرد.^۲ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «فانظر کیف کان عاقبة مکرهم انا دمرنهم و قومهم اجمعین؛^۳ بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان همگی را نابود کردیم.»

۱,۵,۴. عذاب و بلاهای ناگهانی

«افأمنوا مکر الله فلا یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون؛ آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟ در حای که جز زیان کاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند.» چنان که از سیاق این آیات روشن است، مقصود از «مکر الهی» در اینجا همان تدبیر الهی در مورد کیفرها و بلاهای ناگهانی و بیچاره کننده است که خداوند مجرمان را به وسیله آن از هدفهای خوشگذرانی و زندگی مرفهشان باز می‌دارد.^۴

۱,۶. مکر غیر خداوند

۱. نمل (۲۷)، آیه ۵۰.

۲. همان.

۳. نمل (۲۷)، آیه ۵۱.

۴. اعراف (۷)، آیه ۹۹.

۵. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۶، ص ۲۷۱.

در برابر مکر خداوند در قرآن کریم، خداوند از مکاری یاد کرده که غالباً مذموم می‌باشد؛ این مکر به منافقان،^۱ کافران،^۲ زنان،^۳ شیطان،^۴ دنیا^۵ و... نسبت داده شده است.

۱,۶,۱. مکر زدن به خدا از نگاه قرآنی

مکر غیر خداوند در قرآن کریم در برابر حق است که گاهی در برابر خداوند بیان شده، گاهی در برابر پیامبران و گاهی در برابر مؤمنان؛ اما سؤال این است که آیا مکر زدن به خداوند امکان دارد؟ و اگر ممکن است، منظور از آن چیست؟

جواب این است که منظور از مکر و حيله زدن به خدا نمی‌تواند به صورت واقعی باشد؛ چون در معنای مکر قید مخفی بودن و ضرر رساندن لحاظ شده؛ درحالی که چیزی برای خداوند مخفی نیست و کسی نمی‌تواند به خدا ضرر برساند؛ لذا خدعه و مکاری که به خدا نسبت داده شده، به چند معنا قابل توجیه است:^۶

۱. نساء(۴)، آیه ۲۴.

۲. رعد(۱۳)، آیه ۳۳.

۳. یوسف(۱۲)، آیه ۳۱.

۴. نساء(۴)، آیه ۱۲۰.

۵. لقمان(۳۱)، آیه ۳۳.

۶. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، همان، ج ۲، ص ۲۵۴ - ۲۵۳.

۱. این تعبیر به اعتبار رفتار منافقان آمده، به این صورت که عمل و رفتار آنان طوری است که اگر کسی باطن قضیه و واقع را نداند، گول می‌خورد؛ با اینکه در حقیقت احدی نمی‌تواند خدا را گول بزند.^۱

۲. مراد حقیقی از این تعبیر، مکر با پیامبر است؛ زیرا همان‌طور که اطاعت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) اطاعت خداست، نیرنگ با آن حضرت نیز نیرنگ با خداست.^۲

۱،۶،۲. بی تأثیری مکر در برابر حق از دیدگاه قرآن

مکارانی که می‌خواهند مکر خود را در برابر حق به کار ببرند، از نظر بیانات و آموزه‌های قرآنی شکست خورده هستند که ذیل دو عنوان بر اساس آیات قرآن به نوع شکست می‌پردازیم:

۱. بازگشت مکر به خود مکار

در آیاتی از قرآن کریم خداوند مکر و خدعه‌ی مکاران را خودفریبی دانسته و بازگشت آن به خود مکار بیان نموده است:

«يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ»^۱ با خدا و کسانی که ایمان آورده‌اند، نیرنگ می‌بازند، در حالی که جز برخودشان نیرنگ نمی‌زنند و (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش، ۱۳۴.

۲. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، همان، ج ۲، ص ۲۵۴.

نیرنگ منافقان با خداوند و مؤمنان در حقیقت خودفریبی است. منافقان با نیرنگ خود کسی جز خود را فریب نداده و نمی‌دهند و طبق آیات قرآن اثر عمل انسان، نیک باشد یا بد، به خود اوست؛^۲ و این نکته سرّ پنهان است در قرآن که بازگشت حيله‌ی مکاران را به خودشان می‌داند.^۳

۲. شکست مکاران در حيله و مکرشان

قرآن کریم از مکر و خدعه‌ی بسیاری از مکاران یاد کرده و این مکر را شکست خورده دانسته که در مورد مکر کافران می‌فرماید: «نقشه‌ی کافران جز در گمراهی نیست.»^۴ و یا درباره‌ی مکر فرعون می‌فرماید: «توطئه‌ی فرعون (و همفکران او) جز به نابودی نمی‌انجامد!».^۵ دلیل شکست مکاران در برابر حق این است که خداوند عالم و محیط بر همه چیز است و مکر و نیرنگ در برابر چنین شخصی امکان ندارد:

۱. بقره (۲)، آیه ۹.

۲. اسراء (۱۷)، آیه ۷.

۳. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، همان، ج ۲، ص ۲۵۴.

۴. غافر (۴۰)، آیه ۲۵.

۵. غافر (۴۰)، آیه ۳۷.

«وَقَدْ مَكْرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لَيَتَزَوَّلَ مِنْهُ الْجِبَالُ»^۱ و به یقین [با] فریب-

کاریشان فریب کاری کردند و فریب کاریشان نزد خدا (آشکار) است و اگرچه فریبشان (چنان باشد

که) از آن کوهها از جا کنده شود!»

حیله گران هر چه در برابر خداوند نقشه بکشند و حیله کنند، نقشه هایشان نقش بر آب می شود؛

چون گرچه مکاران حیله هایشان را پنهان می دارند؛ اما برای خداوند چیزی مخفی نیست، بلکه کاملاً

آشکار بوده و خداوند از آن آگاه است.^۲

۱،۷. ایمنی از مکر خدا در قرآن و روایات

خدای متعال مردم را بر ایمنی از مکر خدا سرزنش کرده و می فرماید چرا چنین روحیه ای یافته اند و

حال آن که از مکر خدا، جز زیانکاران در امان نیستند.^۳

امام سجاد (علیه السلام) در دعا عرضه می دارد:

«خدایا! تو شایسته ای که صدیقین به (رحمت) تو مغرور نشوند و گناهکاران از (عفو و گذشت)

تو ناامید نگردند.^۴ ائمه (علیه السلام) بارها در دعاها چون دعای سحر^۱ از خدا می خواهند مورد مکر

۱. ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۶.

۲. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم (وحی و نبوت در قرآن)، ج ۳، قم: اسراء، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۳۶.

۳. اعراف (۷)، آیه ۹۹.

۴. علی بن الحسین (علیه السلام)، الصحیفة السجادیة، ترجمه فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی فقیه، چاپ دوم،

تهران: ۱۳۷۶ ش، ص ۲۵۸.

قرار نگیرند. امام علی (علیه السلام) از خصوصیات فقیه واقعی را این دانسته‌اند که نه مردم را از رحمت خدا مایوس کند و نه از مکر خدا ایمن کند.^۲ ایشان می‌فرمایند: هر کس از مکر خدا ایمن شود، نابود می‌شود.^۳

صفوان جمال می‌گوید من خود دیدم که امام صادق (علیه السلام) قبل از تکبیر نماز رو به قبله دعا کرد: «خدایا مرا از رحمت مایوس نکن و از مکرت در امان مدار. زیرا تنها زیان‌کارانند که خود را از مکر تو در امان می‌انگارند.»^۴

و همین فرد می‌گوید: پشت سر امام صادق (علیه السلام) نماز گزاردم. امام بعد از نماز سر خود را پائین انداختند و فرمودند: بار خدایا مرا از مؤاخذه خود در آسایش قرار نده و بعد از آن با صدای بلند فرمودند: «فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ»^۵ شاید حضرت هم قبل از نماز و هم بعد از نماز هر دو این دعا را داشته است.

می‌توان موارد زیر را به عنوان عوامل بنیادی^۶ در ایجاد این صفت رذیله معرفی کرد:

۱. محمد بن الحسن طوسی، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، بیروت: مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ق، ص ۵۸۲.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ه.ش، ص ۲۰۴.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۰۰.

۴. ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ه.ق، ص ۵۴۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۵۴۴.

۶. برخی دارای بعد بینشی هستند به عنوان انگاره‌هایی منفی و برخی دارای صبغهی کنشی و از سنخ رفتار و اخلاق ناپسندی هستند.

۱، ۷، ۱. جهل به صفات خدای متعال و افعال او در اداره‌ی عالم: همانطور که خدای متعال

دارای صفات جمالیه چون لطف و رحمت و بردباری و غفران و... است، دارای صفات جلالیه چون انتقام، مکر الهی، شدت عقاب و ذلیل کننده نیز هست.^۱ ایمنی از مکر الهی در مرتبه پس از کفر قرار دارد. زیرا عین جهل به خدای متعال است و کسی که او را بشناسد، امکان ندارد از مکر او در امان باشد.^۲ نقص معرفتی انسان به خدا به چند صورت می‌تواند منشأ این حالت روانی گردد:

۱. اعتقاد به این که حق تعالی قادر نیست از او سلب نعمت کند.

۲. اعتقاد به این که هر چند او بسیار گناه کند اما باز هم خدای متعال نسبت به او لطف دارد و نعمتش را از او سلب نمی‌کند.

۳. اعتقاد به این که اصلاً گناهان منشأ سلب نعمت‌ها توسط خدای متعال نمی‌شود.^۳

۴. جهل به ابتلا و امتحانات الهی.

۵. عدم اعتقاد به محاسبه روز قیامت و جزا دادن اعمال از نیک و بد.^۴

۶. اعتقاد کاملاً مخالف با منطق قرآن - که خدا در دنیا با نعمت‌هایش به ما احسان کرده و احسان دلیل محبت است پس خدا ما را دوست دارد و هر کس کسی را دوست داشته باشد در آینده هم به او احسان می‌کند.^۵

۱، ۷، ۲. عجب و افتخار: افتخار به دین یا به تقوی، طاعت، کمال، معرفت، علم خود،^۶ اعتماد بر طاعت و عبادت خود است.^۱

۱. عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱، چاپ دهم، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ه.ش، ص ۹۶.

۲. محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، علم الیقین فی أصول الدین، ج ۱، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۶۱.

۳. آقا جمال الدین خوانساری، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۵۷.

۴. ملا احمد نراقی، همان، ص ۱۷۹.

۵. شبر، همان، ص ۳۱۹.

۶. روح‌الله خمینی، سر الصلاة، چاپ ششم، قم: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۲.

۱,۸. چه کسانی در معرض مکر الهی قرار دارند

ایمنی از مکر الهی یک صفت باطنی است که گاهی در اعماق قلب انسان به آرامی حرکت و نمو می‌کند و برای شناسایی این بیماری کشنده لازم است به نوعی رویکرد علامت‌شناسانه (سمیولوژیستیک) روی آورد. علائم زیر در این زمینه قابل معرفی است:

۱,۸,۱. تکبر در مقابل خلق خدا و تحقیر آنان: زیرا از عاقبت کار خود بیم ندارد که خود را برتر از مردم می‌پندارد و آنان را حقیر می‌شمارد؛ چه بسا او بدعاقبت شود و آنان خوش عاقبت گردند.^۲

۱,۸,۲. اصرار بر گناه: یعنی توبه نکردن از گناه و ترک نکردن آن؛ همانطور که امام جواد(علیه السلام) می‌فرماید: اصرار بر گناه، نوعی ایمنی از مکر خداست.^۳

۱,۸,۳. عیبجویی از مردم و فراموشی گناه خود: همانطور که امام صادق(علیه السلام) فرمود: هرگاه دیدید کسی گناهان مردم را پی‌جویی می‌کند و گناه خود را فراموش کرده است، بدانید که مورد مکر الهی قرار گرفته است.^۴

۱,۸,۴. بقای نعمت‌ها و تداوم آن با وجود ارتکاب گناهان: البته باید در نظر داشت که گناهان و بقای نعمت‌ها برای هر کس به فراخور جایگاه اوست؛ به عنوان مثال حاج ملا هادی سبزواری(ره) از بزرگان اخلاق و حکمت درباره برخی صاحبان کشف و کرامت - که گرفتار مکر الهی هستند - می‌گوید: حتی ممکن است فردی که دارای کرامات و خوارق عادات باشد،^۵ به این امنیت برسد و

۱. ملا احمد نراقی، همان، ص ۱۷۹.

۲. محمد بن محمد غزالی، إحياء علوم الدين، ج ۱۱، بیروت: دار الکتب العربی، بی‌تا، ص ۵۶.

۳. ابن شعبه حرانی، همان، ص ۴۵۶.

۴. همان، ص ۳۶۴.

۵. توجه شود که خرق عادت و کرامت، قبل از ولایت الهی است و تا رسیدن به مقام مخلصین فاصله بسیار دارد.

نگرفتن این حالات از او با وجود سوء ادب، مکر خدا با اوست.^۱ با ملاحظه‌ی آیاتی که کلمه‌ی «مکر» در آن به کار رفته^۲ در خواهیم یافت که مُراد از معنای «مکر» همان تدبیر و چاره اندیشی است منتها گاهی خوب و گاهی زیان آور است به عنوان مثال در آیه‌ی شریفه‌ی «وَمَكْرُونٌ وَمِكْرُ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ».^۳ مُراد از «يَمَكُرُونَ» حيله و تدبیر مشرکین است که می‌خواستند حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) را بکشند یا زندانی کنند و مراد از «يَمَكُرُ اللَّهُ» همان تدبیر خداوند است که آن حضرت را مأمور به هجرت نمود. و همین که می‌بینیم کلمه‌ی «مکر» همراه با وصف «السَّيِّئِ» در قرآن به کار رفته^۴ دلیل بر آن است که «مکر» گاهی بد و گاهی خوب است. بنابراین، آیات متعددی که «مکر» را به خدا نسبت می‌دهند، منظور آن است که مالک تدبیر کلیّ خداست و هیچ تدبیری نمی‌تواند از دایره‌ی تدبیر او خارج باشد. به همین جهت، خداوند تبارک و تعالی فوق هر تدبیر کننده‌ای است،^۵ و آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی رعد^۶ صریحاً دلالت دارد بر این که تدبیر کلیّ مال خداست و تدبیر دیگران در مقابل تدبیر خدا هیچ است و کاری از پیش نمی‌تواند ببرد.^۷

با توجه به آنچه بیان شد مکر به دو قسم تقسیم می‌شود مکر الهی و بشری. «مکر» در اصل به معنای غافل گیر کردن شخصی و ضرر رساندن به اوست؛ این عمل از خداوند وقتی صحیح است که به عنوان مجازات صورت بگیرد، و از ناحیه‌ای که خود فریبکار از آن غافل است، عذاب نماید؛ و

۱. هادی سبزواری، شرح الأسماء الحسنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش، ص ۲۲۰.

۲. اعراف (۷)، آیه ۹۹ و ۱۲۳؛ فاطر (۳۵)، آیه ۱۰ و ۴۳؛ رعد (۱۳)، آیه ۳۳ و ۴۲؛ سباء (۳۴)، آیه ۳۳؛ یونس (۱۰)، آیه ۲۱؛ آل عمران (۳)، آیه ۵۴؛ النحل (۱۶)، آیه ۲۶ و ۴۵؛ النمل (۲۷)، آیه ۵۰ و ۵۱؛ نوح (۷۱)، آیه ۲۲؛ ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۶؛ یوسف (۱۲)، آیه ۱۳؛ غافر (۴۰)، آیه ۴۵.

۳. انفال (۸)، آیه ۳۰.

۴. فاطر (۳۵)، آیه ۴۳.

۵. آل عمران (۳)، آیه ۵۴.

۶. رعد (۱۳)، آیه ۴۲.

۷. محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه، موسوی همدانی، ج ۱۲، تهران: ناشر انتشارات اسلامی، ص ۳۵۵.

همچنین خداوند سرنوشتی را برای او تنظیم می‌کند که وی با پای خودش، درحالی‌که غافل از سرنوشت خود است، به سوی عذاب الهی برود. تکبر در مقابل خلق خدا و تحقیر آنان، عیبجویی از مردم و فراموشی گناه خود، اصرار بر گناه از علائم قرار گرفتن در معرض مکر الهی هستند.

فصل دوم: مکر، مصادیق و پیامدهای آن

۲,۱. مصادیق های مکر

۲,۲. پیامدهای مکر در آیات و روایات

برای شناخت امری در زندگی فردی و اجتماعی بشر می بایست به آثار، نقش و کارکردهای آن توجه یافت. از این روست که بخش عمده ای از تعلیل ها و تبیین های قرآنی در مورد مسائل، به شناخت و معرفی آثار و کارکرد های آن اختصاص یافته است. مکر یکی از رذایل اخلاقی است که آثار مهم و اساسی بر جا می گذارد. این روحیه اگر در منش انسانی ظهور یابد، آدمی را به دام افراط گرایی می کشاند و اجازه رشد و بالندگی را از وی سلب می کند. در این جا به برخی از مصداق ها و پیامدهای دنیوی و اخروی که در آیات و روایات برای مکر بیان شده می پردازیم.

۲,۱. مصداق های مکر

در سطور زیر به بررسی چند مورد از سنت هایی که می توانند مصداق مکر الهی قرار گیرند می پردازیم.

۲,۱,۱. سنت استدراج: قانون حاکم بر این جهان چنین است که اگر کسی آیات الهی را از روی عمد تکذیب نمود، به تدریج و بدون اینکه خودش متوجه شود به سوی عذاب الهی کشیده می شود؛ و زمانی متوجه این امر می شود که گریزی از آن نیست. خداوند متعال می فرماید:

«وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ»^۱ و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد.

یکی از مکرهای خدا همین است. این در واقع نتیجه عملکرد خود شخص است. کار خدا در اینجا فقط قرار دادن این سنت در عالم هستی است. و البته خدا خود خبر داده است که هر کس آیات او را تکذیب کند گرفتار این پیامد خواهد شد.^۲

امام صادق (علیه السلام) درباره استدراج فرمود: «معنی آن این است که بنده ای گناهی بکند و سپس بر آن گناه مجازات نشود و نعمت های او ادامه یابد تا از استغفار غافل شود.»^۳ و این غفلت او از استغفار، همان ایمنی او از مکر الهی است.

۱. اعراف (۷)، آیه ۱۸۲.

۲. مقاله مکر خداوند، ۱۳۹۳/۹/۲۴، ساعت ۱۰ صبح، پرسمان دانشجویی،

<http://maaref.porsemani.ir>

۳. ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ، ص

۲, ۱, ۲. **سنت امهال:** یکی دیگر از قوانین الهی این است که کیفر عصیان انسان را بلافاصله به او نمی چشاند. این قانون برای انسانهای مومن بسیار خوب است چون قبل از آنکه گرفتار کیفر خدا شوند می توانند توبه کنند. اما برای کافران همین سنت یک مکر و دام الهی است. کافران و بدکاران وقتی مجازات خدا را از پی عملشان نمی بینند مغرور شده و در گناه غوطه ور می شوند و در نتیجه عذاب خود را افزایش می دهند. خداوند متعال می فرماید:

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۱
 آنها که کافر شدند، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آنها، عذاب خوارکننده ای (آماده شده) است.»

همچنین فرمود: «وَلَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَاَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابُ»^۲
 (تنها تو را استهزا نکردند)، پیامبران پیش از تو را نیز مورد استهزا قرار دادند؛ من به کافران مهلت دادم؛ سپس آنها را گرفتم؛ دیدی مجازات من چگونه بود؟»

و فرمود: «فَذَرْنِي وَ مَنْ يَكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ»^۳ اکنون مرا با آنها که این سخن را تکذیب می کنند واگذار. ما آنان را از آنجا که نمی دانند به تدریج به سوی عذاب پیش می بریم. و به آنها مهلت می دهیم؛ چرا که کید من محکم و دقیق است.»

۲, ۱, ۳. **سنت عکس العمل یا بازگشت عمل به خودش شخص:** خداوند متعال می فرماید:
 «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ»؛ کسی که عمل صالحی انجام

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۷۸.

۲. رعد (۱۳)، آیه ۳۲.

۳. قلم (۶۸)، آیه ۴۵-۴۴.

۴. فصلت (۴۱)، آیه ۴۶.

دهد، سودش برای خود اوست؛ و هر کس بدی کند، به خویشتن بدی کرده است؛ و پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.»

و فرمود: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۱ کيفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ خداوند ظالمان را دوست ندارد.»

لذا اگر کسی در مقابل خدا و بر ضدّ دین خدا و مومنان، مکر کند خدا همان مکر را به سوی خود باز می‌گرداند.

«اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ»^۲ اینها همه بخاطر استکبار در زمین و مکرهای بدشان بود؛ اما این مکرها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد.»

۲, ۱, ۴. سنت واگذاری به خویشتن: طبق این سنت خداوند متعال کسانی را که خدا را فراموش کنند و دین خدا را مسخره کنند، به حال خودشان رها می‌کند و راه هدایت را بر آنان می‌بندد. و لی این کار را به گونه ای انجام می‌دهد که اینها نمی‌فهمند و خیال می‌کنند که راه خودشان درست است. خداوند متعال می‌فرماید:

«فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَ يَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ»^۳ آنان را به حال خود واگذار تا در باطل غوطه‌ور باشند و سرگرم بازی شوند تا روزی را که به آنها وعده داده شده است ملاقات کنند.»

و فرمود: «وَ إِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ* فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ* يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ»^۴ آنها (چنان لجوجند که) اگر ببینند

۱. شوری(۴۲)، آیه ۴۰.

۲. فاطر (۳۵)، آیه ۴۳.

۳. زخرف (۴۳)، آیه ۸۳.

۴. طور(۵۲)، آیه ۴۶-۴۴.

قطعه سنگی از آسمان سقوط می‌کند می‌گویند: این ابر متراکمی است. حال که چنین است آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات کنند. — روزی که کید و حيله آنان سودی به حالشان نخواهد داشت و (از هیچ سو) یاری نمی‌شوند.»

و فرمود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱ و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آنها فاسق‌اند.» و فرمود: «مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ»^۲ هر کس را خداوند (به جرم اعمال زشتش) گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد؛ و آنها را در طغیان و سرکشی‌شان رها می‌سازد، تا سرگردان شوند.»

۲، ۱، ۵. سنت تزئین: یکی از قوانین حاکم بر این جهان این است که اگر کسی بر پیمودن راه باطل اصرار نمود، و گوش به هشدارهای انبیاء (علیهم السلام) ندهد، شیطان بر او مسلط می‌شود و اعمال و افکار باطل او را برای او زیبا و درست جلوه می‌دهد تا هرچه بیشتر در باطل خود فرو رود.^۳ خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ* وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ»^۴ و هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطان را به سراغ او می‌فرستیم پس شیطان همواره قرین اوست. — و آنها (شیاطین) این گروه را از راه خدا باز می‌دارند، در حالی که گمان می‌کنند هدایت‌یافتگان حقیقی آنها هستند.»

۱. حشر (۵۹)، آیه ۱۹.

۲. اعراف (۷)، آیه ۱۸۶.

۳. مقاله مکر خداوند، ۱۳۹۳/۹/۲۴، ساعت ۱۰ صبح، پرسمان دانشجویی،

<http://maaref.porsemani.ir>

۴. زخرف (۴۳)، آیه ۳۶ — ۳۷.

و می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زِينَةً لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ؛^۱ کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال (بد)شان را برای آنان زینت می‌دهیم بطوری که سرگردان می‌شوند.»

۲,۲. پیامدهای مکر در آیات و روایات

از جمله پیامدهای زیر را می‌توان برای مکر در آیات و روایات بیان نمود.

۲,۲,۱. شکست مکاران در حيله و مکرشان

قرآن کریم از مکر و خدعه بسیاری از مکاران یاد کرده و این مکر را شکست خورده دانسته که در مورد مکر کافران می‌فرماید: «وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ؛^۲ نقشه کافران جز در گمراهی نیست.»

و یا درباره مکر فرعون می‌فرماید: «وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ؛^۳ توطئه فرعون (و همفکران او) جز به نابودی نمی‌انجامد!»

دلیل شکست مکاران در برابر حق این است که خداوند عالم و محیط بر همه چیز است و مکر و نیرنگ در برابر چنین شخصی امکان ندارد؛^۴

«وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ؛^۱ آنها نهایت مکر خود را به کار زدند، و همه مکرها (و توطئه‌هاشان) نزد خدا آشکار است، هر چند کوه‌ها با مکرشان از جا برکنده شود!»

۱. النمل (۲۷)، آیه ۴.

۲. غافر (۴۰)، آیه ۲۵.

۳. غافر (۴۰)، آیه ۳۷.

۴. روح‌الله رضائی، مقاله مکر، ۱۳۹۳/۹/۲۳، ساعت ۱۰ صبح، <http://www.pajooh.com>.

حیله‌گران هر چه در برابر خداوند نقشه بکشند و حیله کنند، نقشه‌هایشان نقش بر آب می‌شود؛ چون گرچه مکاران حیله‌هایشان را پنهان می‌دارند؛ اما برای خداوند چیزی مخفی نیست، بلکه کاملاً آشکار بوده و خداوند از آن آگاه است.^۲

۲,۲,۲. گرفتار شدن مکاران در قهر و عذاب الهی^۳

خداوند متعال در آیات متعدد قرآن تأکید فرموده است که مکر و حقه و حیله، تقلب مکاران به ضرر خودشان تمام می‌شود و نه فقط آنها به مقاصد دنیوی و مادی خود نمی‌رسند بلکه برعکس، گرفتار نقشه متین، بزرگ و بدون اشتباه و خطای الهی شده و دنیا و آخرت خود را هم از کف می‌دهند!

و خداوند در قرآن می‌فرماید: «... الَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرُهُمْ هُوَ يُبْورُ؛^۴ کسانی که با حقه و حیله نقشه‌های بد می‌کشند، عذاب سختی برایشان است و مکر (و تلاش فاسد) آنها نابود می‌شود و به جایی نمی‌رسد.»

مفسر تفسیر نمونه ذیل این آیه نوشته است:

۱. ابراهیم (۱۴)، آیه ۶۴.

۲. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۳، چاپ اول، قم: اسراء، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۳۶؛ «از جمله کفار مکه مکر کردند که حضرت محمد (ص) را حبس کنند یا بکشند یا تبعید کنند و مکر می‌کردند و خداوند هم مکر فرمود، پس مکر آنها را باطل نمود و تو را نجات داد و خداوند بهترین چاره جوها ست.»؛ و همچنین می‌توان به شب ليله المبيت اشاره نمود.

۳. نحل (۱۶)، آیه ۲۶.

۴. فاطر (۳۵)، آیه ۱۰.

گرچه این فاسدان مفسد، چنین می پندارند که: با ظلم و ستم و دروغ و تقلب می توانند عزتی برای خود کسب کنند و مال و ثروت و قدرتی به دست آورند اما در پایان کار، هم عذاب الهی را برای خود فراهم ساخته اند، و هم تلاش های آنها بر باد می رود.

«وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا»^۱ آنها غیر از خدا معبودانی برای خود انتخاب کردند تا مایه عزتشان باشد (چه پندار خامی؟)

منافقانی بودند که: خود را عزیز، و مؤمنان را ذلیل می پنداشتند و می گفتند: «لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ»^۲ اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان، ذلیلان را بیرون خواهند کرد!

افراد دیگری بودند که، قرب فراعنه را مایه عزت خویش تصور می کردند، یا از گناه و ظلم و ستم، آبرو می طلبیدند، اما همگی سقوط کردند، و تنها ایمان و عمل صالح است که به سوی خداوند عزیز بالا می رود!

همانطور که گفته شد اگر چه مکر در لغت به معنی «هرگونه چاره اندیشی است»، اما در مواردی به معنی چاره اندیشی های توأم با فساد به کار می رود که آیه مورد بحث، از آنهاست.

«سینات» هم در آیه فوق، همه زشتیها و بدیها را اعم از بدیهای عقیدتی یا عملی را شامل می شود و این که بعضی آن را به توطئه های مشرکان برای کشتن یا تبعید کردن پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله و سلم) از «مکه» تفسیر کرده اند، در واقع یکی از مصادیق آن را بیان کرده اند، نه تمام مفهوم آن را.^۳

مفسر تفسیر نور هم ذیل آیه مذکور نوشته است:

۱. مریم (۱۹)، آیه ۸۱.

۲. منافقون (۶۳)، آیه ۸.

۳. علی کامران، مقاله مکر و حيله آثار اعمال در قرآن (۵)، روزنامه کیهان، ش ۲۰۲۴۵، ص ۶.

افرادی که برای انجام بدیهای نقشه می کشند، برایشان عذاب سختی است و نیرنگ آنها است که تباه می شود.

بر این اساس، از مجموعه آیات قرآن که در خصوص مکر است استفاده می شود که:

۱. مؤمنان اهل حقه و حيله زدن به ديگران خصوصاً فریب ساير مؤمنان در جامعه اسلامی نمی باشند.
 ۲. کفار، مشرکان و منافقان اهل حيله و حقه هستند و مؤمنان باید با هوشیاری کامل، فریب ظاهرسازی ها و دغلبازی های آنها را نخورند.
 ۳. مکر مکاران در نهایت به آنها بازمی گردد و آنها را در دنیا خوار و ذلیل و بی آبرو و در آخرت گرفتار عذاب شدید الهی می نماید.
 ۴. خداوند متعال در کمین مکاران است و چنانچه مومنان تقوا پیشه سازند از مکر آنها در امان می مانند.
 ۵. مکر و حيله، انسان مکار را از راه حق و حقیقت دور می سازد و در کوره راه های گمراهی نابود می سازد.
- خداوند متعال برای مؤمنان متقی، راههای ضربه نخوردن از مکر مکاران و مقابله با نقشه های گناه آلودشان را آموخته است.^۱

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «هر که از مکر خدا ایمن شود امان او باطل شود»^۲ و منظور این است که خدای متعال او را امان نمی دهد و به بلائی عظیم گرفتار می سازد تا بطلان گمانش بر او ظاهر

۱. علی کامران، مکر و حيله، آثار اعمال در قرآن (۵)، روزنامه کیهان، ش ۲۰۲۴۵، ص ۶.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۰۰.

شود^۱ و همانطور که امام هادی (علیه السلام) می‌فرماید: «سرانجام قضای قطعی الهی بر او فرود می‌آید»^۲

۲،۲،۳. هلاکت مکاران^۳

نکته قابل ذکر دیگر آن است که گاهی عذاب الهی به صورت نعمت‌هایی چون سلامت، تندرستی، طول عمر و فزونی ثروت برای برخی از انسان‌ها ظاهر می‌گردد؛ به طوری که چنین انسان‌هایی حتی گمان می‌کنند مورد نظر و عنایت خاص خداوند قرار گرفته‌اند؛ حال آن که مبتلا به مکر الهی شده‌اند. در چنین حالی است که مکر شدگان به غفلت و خوش‌گذرانی می‌پردازند تا عمرشان به سر آید یا ناگهان به بلایی آشکار گرفتار گردند. از این روست که برخی مکر الهی را به «استدراج» (یعنی گام به گام و پله به پله در ورطه هلاک افکندن) معنا و ترجمه کرده‌اند.^۴

در سوره اعراف می‌خوانیم: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ؛ وَآنْهَا كَآيَاتُ مَا رَاكَ تَكْذِيبُ كَرَدْنَد، به تدریج از جایی که نمی‌دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد».

ملا محسن فیض کاشانی در شرح استدراج مزبور گفته است: «استدراج در اصل یعنی گام به گام بالا بردن و گام به گام پایین بردن؛ به گونه‌ای که شخص مستدرج متوجه آن نشود. بدین صورت که

۱. جمال الدین خوانساری، ؛ شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۵۷.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ه.ش، ص ۴۸۳.

۳. نمل (۲۷)، آیه ۵۱.

۴. مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، رضا ستوده، ج ۹، تهران: فراهانی، بی تا، ص ۱۹۱.

۵. اعراف (۷)، آیه ۱۸۲.

نعمت‌هایی پی در پی بر تکذیب‌کنندگان و عاصیان نازل شود. همین موجب می‌گردد که آنان گمان کنند این نعمت‌ها از الطاف الهی است و به این خیال خام به کفران خود در گمراهی شدت بخشند تا آن که عذاب الهی بر آنان حتمی شود»^۱

۲,۲,۴. بازگشت مکر و حقه به مکاران^۲

خداع: فریب و دورویی است و خُده به معنای نیرنگ، و مُخدع و خَدّاع یعنی حيله گر، حقه باز و نیرنگ ساز.

از آنجا که پیامد خدعه زدن به دیگران، خدعه زدن به خود است، از این رو پیامد خدعه منافقان به خدا و مؤمنان^۳ به خودشان بازگشته و به زیان شخصی ایشان می‌انجامد. خدعه آنها در قالب اظهار ایمان دروغین به خدا و روز قیامت به مؤمنان صورت می‌پذیرد و هدف آنان از این کار جلوگیری از ضرری بود که در صورت اظهار صریح کفر به آنها می‌رسید. اما همین نیرنگ بازی دامنگیر خودشان شد؛ زیرا خداوند به رسول خویش (صلی الله علیه وآله وسلم) اطلاع داده بود که اینان ایمان ندارند.^۴ و این اطلاع موجب شده بود که آنان نتوانند زیر نقاب اظهار ایمان، به رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) و مؤمنان آسیبی برسانند. به علاوه که چون منافقان به خدا و رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) و وحی اعتقاد نداشته و نمی‌دانستند یا باور نمی‌کردند که خداوند از این طریق رسولش را با خبر کرده باشد،

۱. محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۵۶، ذیل آیه

۱۸۲ سوره اعراف.

۲. انعام (۶)، آیه ۱۲۳.

۳. بقره (۲)، آیه ۱۰.

۴. بقره (۲)، آیه ۹.

از این رو به انواع ترفندها و دروغ ها برای اثبات ایمان دروغین خود دست می زدند که این کارها هر چه بیشتر دست آنها را رو کرده نشان می داد چقدر فریبکار و حيله گرند.

به تعبیر روشن تر؛ قانون الهی بر این قرار گرفته که نیرنگ منافق بر مؤمن حقیقی به دلیل عدم سنخیت تأثیری نداشته و در حکم تیری باشد که گرچه از اسلحه منافق و برای هلاکت مؤمن خارج می شود، اما نه تنها بر تن مؤمن به دلیل پوشیدن لباس ضد گلوله ایمان کارگر نبوده بلکه در نهایت بر تن خودش نشسته او را هلاک کند.

زیان دیگری که متوجه منافقان نیزنگ باز می شود تحمل مشقت ها و رنج های انجام عمل و محرومیت از پاداش است؛ زیرا پاداش الهی تنها به عمل تعلق نگرفته و نیت خالص در آن نقشی برتر دارد. از این رو منافق فریبکار چون ادعای ایمان کرده، عمل را که لزوماً توأم با مشقت و زحمت است انجام می دهد، اما به دلیل نداشتن اخلاص و عدم اعتقاد قلبی از پاداش دنیوی - جدا از پاداش اخروی - که به مؤمنان تعلق می گیرد محروم می شود و هیچ گاه حلاوت ایمان، آرامش خاطر مؤمن و رضایت و خرسندی معنوی او را نخواهد چشید.^۱

در همین راستا امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «به خداوند خدعه زنید؛ زیرا ایمان از شما گرفته می شود، سؤال شد: خدعه زدن به خدا یعنی چه؟ فرمود: یعنی کاری را انجام داده اما در انجام آن غیرخدا را اراده کنی؛ یعنی ریا کنی. پس از ریا که شرک است بپرهیزید.»^۲

باید دانست که منظور از خدعه پروردگار در برابر خدعه منافقان، بیان قانون و ضابطه مندی است،^۱ خداوند چون خود این قانون را مقرر فرموده با تعبیر خدعه متقابل از آن یاد می کند.^۲ بر این اساس تصور انجام خدعه از نوع انسانی آن از سوی پروردگار، تنها برداشتی عامیانه و سطحی است.^۳

۱. محمدحسین برومند، قرآن و نظریه تأثیر متقابل اعمال، ۱۳۹۳/۹/۲۳، ساعت ۱۰ صبح،

<http://www.maarefquran.com>

۲. فیض کاشانی، الصافی، همان، ج ۱، ص ۶۱.

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «هر کس مکر کند، بر او مکر می کنند.»^۴

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز در این زمینه فرمودند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهِيَ رَاجِعَةٌ عَلَى صَاحِبِهَا: ° الْبَغْيُ وَالْمَكْرُ وَالنَّكَثُ؛ سه خصلت است که در هر کس باشد (آثارش) به خود او بر می گردد: ظلم کردن، فریب دادن و عهد و پیمان شکنی»

۲,۲,۵. خواری و ذلت مکاران^۶

مکر، یعنی فریب، و پیامد مکر ورزیدن با خدا و رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) مواجهه با مکر برتر و متقابل پروردگار است.^۷

اقوام مکار گذشته همواره در صدد بودند انبیای الهی را از مقاصد هدایتی شان باز دارند، پیامد این عمل، مواجهه با قانون الهی در این مورد شد؛ بدین صورت که مدتی کوتاه به آنان فرصت داده شد^۸ تا ضمن اتمام حجت از متاع فانی دنیوی بهره ببرند، سپس مکر برتر الهی در قالب کمک به یاوران حق اجرا شد و مؤمنان در نهایت پیروز گشتند و مکاران باطل اندیش نیز خوار و ذلیل گشتند.^۹

۱. محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۸ ش، ص ۶۸.

۲. نساء(۴)، آیه ۱۴۲.

۳. عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸، ص ۳۱۳.

۴. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۸، ص ۲۳۱.

۵. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲، ص ۴۲۲.

۶. انعام(۶)، آیه ۱۲۴.

۷. آل عمران(۳)، آیه ۵۴؛ انفال(۸)، آیه ۳۰.

۸. ابراهیم(۱۴)، آیه ۶؛ رعد(۱۳)، آیه ۳۳.

۹. انعام(۶)، آیه ۱۲۴.

به عنوان مثال، وقتی قوم نوح^۱ مکارانه در صدد برآمدند از پرستش پنج بت خویش دست برداشته و هیچ گاه ایمان نیاورند، خداوند آنان را غرق کرد و نوح و همراهانش را نجات بخشید؛ و یا وقتی مکر قوم ثمود بر این استوار شد که همگی با شبیخونی شبانه صالح و خاندانش را به قتل رسانده سپس ارتکاب این عمل را منکر شوند.^۲ مکر برتر الهی بر این قرار گرفت که آنان را کیفری سخت رسانده نابود کند و صالح (علیه السلام) و مؤمنان متقی را نجات بخشد.^۳ و نیز وقتی مکر یهودیان بر قتل عیسی (علیه السلام) قرار گرفت^۴ مکر برتر الهی او را بالا برد و پیروان او را بر یهودیان مکار تا روز قیامت برتری بخشید.

و در نهایت وقتی مکر کافران معاصر رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) بر این قرار گرفت که او را از تبلیغ باز داشته یا بکشند و یا تبعید کنند^۵ مکر برتر و متقابل الهی او را یاری و مؤمنان را پیروز کرد.^۶ منظور از مکر متقابل و برتر الهی در این عنوان، تنها بیان قانونمندی و ضابطه نهاده شده توسط پروردگار است، از این رو تصور مکر زدن از نوع انسانی آن که برخاسته از وسوسه های نفسانی و شیطانی است برای پروردگار، برداشتی عامیانه و سطحی است.^۷

«مَنْ مَكَرَ بِالنَّاسِ رَدَّ اللَّهُ سَبْحَانَهُ مَكْرَهُ فِي عُنُقِهِ»^۱ هر که نسبت به مردم مکر نماید، خداوند سبحان مکرش را به او بازمی گرداند.»

۱. نوح (۷۱)، آیه ۲۵.

۲. نمل (۲۷)، آیه ۵۰.

۳. نمل (۲۷)، آیه ۵۳.

۴. آل عمران (۳)، آیه ۵۴.

۵. انفال (۸)، آیه ۳۰.

۶. انفال (۸)، آیه ۶۲.

۷. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ۹، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو،

۱۳۷۲ ش، ص ۷۵۸.

عقاب بسیاری از حقوق مردم، اثر سریع دنیوی دارد که گویی قیامتی در همین دنیا برپا می شود و او به مکافات عمل خود می رسد. از آن جمله عقاب مکر و حيله با مردم است. نکته دیگری که در کلام امام (علیه السلام) نهی شده این است که فرد علاوه بر فریب کاری رفتار، نباید فریب کاری در گفتار داشته باشد. دروغ نگوید، غیبت نکند، تهمت نزند، نمایی نکند و... پروا و پرهیز از این رذایل نیز لازم است. با این که قبح و زشتی این امور در میان همه انسان ها، پذیرفته شده است، در جوامع امروزی عمل به آن خیلی کم رنگ است.

۲,۲,۶. عذاب سخت مکاران^۲

مکر از صفات شیطان است و از مهلکات بزرگ می باشد. معصیت و گناه مکر از معصیت و آزاررسانی علنی به اشخاص بیشتر است. علت این موضوع هم روشن می باشد. زیرا کسی که آگاه باشد که دیگری قصد ایذا او را دارد، احتیاط می کند و از خود محافظت می نماید و بالاخره آماده برای دفاع می شود. به خلاف کسی که با مکر و خدعه به او ضربه ای وارد کنند.^۳

حضرت علی (علیه السلام) بسیاری از اوقات، نفس عمیقی می کشید و می فرمود: «واویلا مکر و حيله به کار می برند و در مورد من حال آنکه می دانند من کاملاً به مکر آنها آگاهم و از آنها به مکر و حيله و انواع آشناترم. ولی من می دانم مکر و خدعه جایگاهش در آتش است پس صبر می کنم بر مکر اینها و مثل آنچه را که آنها مرتکب شده اند مرتکب نمی شوم.»

۱. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم ودررالحکم، محقق: درایتی، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۲۹۱.

۲. فاطر (۳۵)، آیه ۱۰.

۳. مقاله صفت مشترک منافق و شیطان، ۱۳۹۳/۹/۲۳، ساعت ۱۰ صبح، <http://www.tebyan.net>.

۲,۲,۷. عذاب اخروی مکاران

از کبائری که وعده آتش بر آن داده شده، مکر و غدر، یعنی پیمان شکنی، و خدعه یعنی فریب دادن است. چنانچه در روایات مستفیضه، بر هر سه وعده آتش داده شده است. از آن جمله در کتاب ایمان و کفر اصول کافی باب مکر و غدر و خدیعه شش حدیث در این باره نقل نموده است که برای نمونه، دوتای آن یادآوری می شود:

حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «لو لا ان المکر و الخدیعة فی النار لکنت امکر الناس»^۱ اگر نبود که مکر و فریبکاری در آتش است، من از همه مردم مکارتر بودم.

و نیز می فرماید: «الا و ان الغدر و الفجور و الخیانة فی النار»^۲ به درستی که دغل گری و هرزگی و خیانت در آتش است.

در وسائل است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «مسلمان نباید مکر و خدعه کند، زیرا از جبرئیل شنیدم که مکر و خدعه در آتش است.»

پس فرمود:

«کسی که مسلمانی را فریب دهد یا به او خیانت کند، از ما نیست.»

مردم به حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) گفتند: کسی که مخالف شما است معاویه او را بر حکومتی که دارد (شام) برقرار دار و او را عزل مفرما، تا وقتی که حکومت و خلافت تو مستقر شود، آنگاه

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه حسین استاد ولی، ج ۴، تهران: دار الثقلین، ۱۳۹۰، ص ۳۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۳۸، باب المکر والخدیعة، ح ۶.

عزلش کن. حضرت فرمود: «فقال (عليه السلام) المكر والخديعة والغدر في النار؛^۱ مکر و فریب کاری و پیمان شکنی همه در آتش است.»

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «بئس العبد عبد یكون ذا وجهین و ذا لسانین یطری اخاه شاهدا و یأکله غائبا ان اعطی حسده و ان ابتلی خذله؛^۲ هر کس دورو باشد، در قیامت می آید درحالی که دو زبان دارد: یکی از عقب و دیگری از جلو و هر دو آویزان، و شعله آتش از آنها بیرون می آید، به طوری که تمام بدنش را آتش می گیرد.»

۲,۲,۸. گمراهی مکاران از حق^۳

«بَلْ زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَ صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْهُادٍ؛^۴ خداوند مکر کافران را برایشان زینت داده است و آنها (به سبب اعمالشان) از راه خدا باز داشته شدند و هر کس خدا را گمراه کند، هدایت کننده ای برای او وجود نخواهد داشت.»

این آیه اشاره به این نکته دارد که کسانی که در مقابل خداوند به ریسمان «مکر» متوسل می شوند، چاره ای ندارند جز افتادن در سیاه چال گمراهی و ضلالت. یعنی به شهادت خود قرآن، این افراد از نعمت هدایت محروم می گردند و این همان مکر عظیمی است که خداوند از آن در جای جای قرآن سخن گفته است، چرا که بزرگترین سعادت بنده، رسیدن به فیض هدایت است و چه زیانی از این

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۴۰۵.

۲. علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار، چاپ دوم، نجف: مکتبه حیدریه، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴.

۳. رعد (۱۳)، آیه ۳۳.

۴. انفال (۸)، آیه ۳۰.

بالا تر که فرد در مسیر حق شناسی گمراه گردد و مصداق مکر خدا درباره او، همان ضلالت و گمراهی اش است.^۱

با توجه به مطالب بالا استفاده می شود که مکر الهی چیزی نیست جز همان قوانین و سنن الهی که بر عالم و بر اعمال انسانها حاکم است. همه امور عالم با فرمول هایی قطعی در جریانند، همانطور که از درخت سیب، فقط سیب می روید و از درخت گلابی، فقط گلابی می روید، هر عملی نیز نتیجه خاص خود را دارد. و خداوند متعال انبیاء (علیه السلام) و کتب آسمانی را فرستاده است تا این سنتها و فرمولها را به انسان بیاموزند. آنها که این سنتها را باور کرده و در زندگی خود از آنها سود می برند به سعادت می رسند؛ ولی آنها که این قوانین را باور نمی کنند با انتخاب نادرست خود، گرفتار این قوانین می شوند. و این قوانین به خودی خود خوب و لازم است اما برای بدکاران مثل نفتی است که به جای گرم کردن خانه به آتش زدن آن می انجامد و مثل یک دام الهی عمل می کند اما این نتیجه تابع کردار سوء خود آنهاست. لذا خداوند متعال این گونه سنت ها را مکر خود بر ضد کافران و مشرکان معرفی می کند. پس اسم هایی مثل خیرالماکرین از مقایسه سنت ها و قوانین خدا نسبت به کفار و فاسقین، انتزاع شده و به خدا نسبت داده می شوند.

رفتار کفار در برابر این سنت ها مثل رفتار کسی است که قانون جاذبه را قبول ندارد. لذا از روی لجاجت خود را از پشت بام می اندازد تا ثابت کند که جاذبه وجود ندارد. و نتیجه این کار، سقوط کردن و فلج شدن یا مردن است. کفار نیز در مقابل سنن الهی چنین رفتاری انجام می دهند. آنها سنن الهی را نادیده می گیرند و در نتیجه گرفتار عواقب پنهانی آن می شوند.

نتیجه گیری

مکر در لغت به معنای تدبیر برای ضرر رساندن یا حيله‌گری در نهان آمده؛ یعنی منصرف کردن غیر، از تصمیم خودش به وسیله نیرنگ. معادل «مکر» در زبان فارسی فریب، نیرگ و... است. و در اصطلاح علم اخلاق به معنای جستن راه‌های پنهان برای اذیت رساندن به مردمان است؛ لذا رذیله‌ای از رذائل قوه عاقله است و جزء مهلکات بزرگ و زشت‌ترین رذائل به حساب می‌آید که گناه شدید و بزرگی به شمار می‌رود.

بر اساس معنای «مکر»، مکر جنبه ابزاری دارد و می‌تواند ابزاری برای افعال خیر یا افعال شر قرار گیرد؛ از این رو مکر هم می‌تواند در افعال شر و هم در افعال خیر به کار می‌رود؛ البته استعمال لفظ «مکر» بیشتر در موارد مذموم است، به خصوص در زبان فارسی؛ لذا برخی مفسران تمام موارد مکر را در رابطه با افعال شر و مذموم دانسته‌اند.

کاربرد «مکر» در مورد خداوند با کاربرد آن در مورد آدمیان، کاملاً متفاوت است. مکر در آدمیان، نوعاً از موضع ضعف صورت می‌گیرد که آنان با ترفندهایی، قصد غلبه و رسیدن به هدف خود را دارند. ولی در ذات سبحان خداوند، ضعف و قصوری وجود ندارد تا برای رسیدن به اهداف به ترفند متوسل شود. از این رو معنای مکر و کلمات مشابه آن در قرآن (کید، استهزا و...)، همان برنامه و سنن الهی در آفرینش است که مکر کنندگان با آن مواجه خواهند شد.

یکی از گناهان بزرگ در اسلام مکر و خدعه با مسلمانان شمرده شده است و کراراً در قرآن شریف علاوه بر این که آن را حرام می‌داند گوشزد می‌کند که مکر مکرکننده، به خودش باز می‌گردد که آن اقسامی دارد: مکر و خدعه با خداوند تبارک و تعالی، مکر و خدعه برای جلب مال دیگران، یا ضایع نمودن حقوق دیگران، مکر و خدعه در ضایع نمودن عرض و آبروی دیگران و یا ایجاد دشمنی میان مسلمانان و امثال این‌ها، مکر و خدعه در جلب منافع و احراز شخصیت بدون این که ضرری برای کسی داشته باشد.

سنت استدراج، سنت امهال، سنت عکس العمل یا بازگشت عمل به خودش شخص، سنت
واگذاری به خویش، سنت تزیین از سنت هایی هستند که از مصداق های مکر الهی قرار می گیرند.
از جمله پیامدهای مکر عبارتند از: شکست مکاران در حيله و مکرشان، بازگشت مکر و حقه به
مکاران، خواری و ذلت مکاران، هلاکت مکاران، گرفتار شدن مکاران در قهر و عذاب الهی.

پیشنهادهای و راهکارها

۱. پیشنهاد می شود این نوشتار به صورت کتابچه چاپ و در اختیار طلبه ها قرار گیرد.
۲. پیشنهاد می شود به محقق بعدی که در زمینه راهکارهای این رذیله به تحقیق بپردازد.

منابع

▪ قرآن کریم

کتاب فارسی

۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱۴، قم: اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۳. -----، تفسیر موضوعی قرآن کریم (وحی و نبوت در قرآن)، ج ۳، قم: اسراء، ۱۳۸۱ ش.
۴. خوانساری، آقا جمال الدین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۵. خدایاری، ناصر، مرادی صادق، نگرشی بر اخلاق از دیدگاه قرآن، تبریز: سالار، ۱۳۷۹ ش.
۶. دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۱، چاپ دهم، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ هـ- ش.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، تهران: دانشگاه تهران، بهار ۱۳۷۳ ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، کرانه سعادت، ترجمه مهدی شمس الدین، قم: مترجم، ۱۳۷۶ ش.
۹. سبزواری، هادی، شرح الأسماء الحسنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، چاپ پنجم، قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. -----، المیزان، ترجمه، موسوی همدانی، ج ۱۲، تهران: ناشر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶

۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، ج ۹، تهران: فراهانی، بی تا.

۱۳. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.

۱۴. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۸ ش.

۱۵. فضل الله، محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، ج ۶، چاپ دوم، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.

۱۶. فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، ج ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.

۱۷. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۶، چاپ هشتم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸.

۱۸. موسوی خمینی، روح الله، سر الصلاة، چاپ ششم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.

۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، چاپ هفدهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۲۰. نراقی، مولی مهدی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، چاپ چهارم، تهران: حکمت، ۱۳۷۰ ش.

کتاب عربی

۲۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه، الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۰، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

۲۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه وآله و سلم)، چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ه.ش.

٢٣. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التلويز، ج٢٢، بى تا، بى جا.
٢٤. ابن قدامه، عبدالله، المغنى، ج ١٠، بيروت: دار الحديث، بى تا.
٢٥. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ٥، بيروت: دار احياء التراث، ١٤٠٨ ق.
٢٦. بستانى، فواد افرام، فرهنگ ابجدى عربى فارسى، مترجم رضا مهيار، چاپ دوم، تهران: اسلاميه، ١٣٧٥.
٢٧. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، ١٣٦٦ ش.
٢٨. حلى، حسن بن يوسف، تذكرة الفقهاء، ج ١، بيروت: الاحياء التراث، ١٣٧٣.
٢٩. حنبلى، منصور بن يونس بهوتى، كشف القناع عن متن الاقناع، ج ٣، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٨.
٣٠. دروزه، محمد عزت، التفسير الحديث، ج ٢، قاهره: دار إحياء الكتب العربيه، ١٣٨٣ ق.
٣١. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، تحقيق صفوان عدنان داودى، چاپ يكم، بيروت: دارالعلم الدار الشاميه، ١٤١٢.
٣٢. زحيلي، وهبة بن مصطفى، التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج، ج ١٣، چاپ دوم، بيروت: دارالفكر المعاصر، ١٤١٨ ق.
٣٣. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، مترجمان، ج ٩، چاپ سوم، تهران: فراهانى، ١٣٧٢ ش.
٣٤. طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، تحقيق سيداحمد حسيني، ج ٣، چاپ سوم، تهران: كتابفروشى مرتضوى، ١٣٧٥ ش.
٣٥. طوسى، محمد بن حسن، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ٢، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ ق.

۳۶. ----- ، التبيان في تفسير القرآن، ج ۲، بيروت: دار احياء التراث العربی،

بی.تا.

۳۷. عسکری، ابی هلال، معجم الفروق اللغویه، قم: اسلامی، ۱۴۱۲ق.

۳۸. غزالی، محمد بن محمد، إحياء علوم الدين، ج ۱۱، بيروت: دار الكتاب العربی، بی.تا.

۳۹. فراهیدی، خليل بن احمد، العين، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.

۴۰. فیض الاسلام اصفهانی، علی بن الحسین (علیه السلام)، الصحيفة السجادية، علی نقی

فقیه، چاپ دوم، تهران: ۱۳۷۶ش.

۴۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، علم الیقین فی أصول الدين، ج ۱، قم: انتشارات

بیدار، ۱۴۱۸ق.

۴۲. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب

الإسلامیة، ۱۴۰۷ ه.ق.

۴۳. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، چاپ سوم، بيروت: ونشر دار الصار،

۱۴۱۴ق.

۴۴. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، چاپ بیست و ششم، بيروت:

دارالاندلس للطباعة و النشر، ۱۹۸۵م.

۴۵. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، ۱۳۶۸.

۴۶. موسوی، خمینی، روح الله، المكاسب المحرمه، ج ۲، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی (ره)، ۱۳۶۴.

۴۷. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، حیدر دباغ، ج ۲۱، تهران: اسلامیة، ۱۳۸۵

۴۸. نراقی، مهدی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، چاپ چهارم، تهران:

حکمت، ۱۳۷۰ش.

مقالات

۴۹. رضائی، روح‌الله، مقاله مکر، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۸/۹،

<http://www.pajoohe.com>

۵۰. زینایان، منصوره، مقاله مکر الهی و فلسفه آن، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۸/۹،

<http://ofogh-kavir.com>

۵۱. کامران، علی، مقاله مکر و حیلۀ آثار اعمال در قرآن(۵)، روزنامه کیهان، ش ۲۰۲۴۵،

۵۲. مکر و خدعه، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی مظاهری، ساعت ۱۳/۳۰، ۸/۳/

<http://www.almazaheri.ir>، ۱۳۹۳

۵۳. مکر الهی و فلسفه آن، مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآنی، ساعت ۱۳/۳۰،

www.hawzahqom.ir، ۱۳۹۳/۸/۳

۵۴. مقاله مکر خداوند، ۱۳۹۳/۹/۲۴، ساعت ۱۰ صبح، پرسمان دانشجویی،

<http://maaref.porsemani.ir>.

۵۵. مقاله تفاوت مکر خدا با مکر بشر، ساعت ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۹/۲۳،

<http://www.tebyan.net>.

۵۶. مقاله صفت مشترک منافق و شیطان، ۱۳۹۳/۹/۲۳، ساعت ۱۰ صبح،

<http://www.tebyan.net>.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.